



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۱ دوشنبه ۳۰ تیر ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

«کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.»
(ولادیمیر لنین)

انقلاب و کودتا

مشاجره اصلی:

خرده‌بورژوازی حاکم

نگاهی به انتقادات اکثریت بر اقلیت (کار ۶۳)

به اپورتونسم و رویزونیسم — جهانی نداشته است، وجه تمهیدات تشویش بی پایان کم‌وقف اشبات عدم وجود خرده‌بورژوازی در حاکمیت شده است، هیچکدام با لایحه نتوانستند ثابت کنند که صف بندی نیروهای انقلاب در ایران بقیه در صفحه ۱۰

هیات حاکمه این دید و نقطه نظرها بشدت مورد تمسخر قرار داده و از اعضا ساقط کرده است. چه تلاشهای بیهوده بی درجهت اثبات وجود سرما به داری ملی یا بورژوازی ملی — "بورژوازی لیبرال بخشاً مرتجع شده" یا "نشده" در ایران صورت گرفته که نتیجه بی بجز در غلطی —

با بدگفت که علی رغم کوشش بسیاری که از ناحیه گروههای چپ دیده می‌شود تا ثابت نماید مسئله انقلاب ما، و با دقت مسئله انقلاب را در رابطه با صف بندی طبقه نیروهای انقلابی تادرون بورژوازی گسترده است، واقعیت — جایز می‌باشد که طبقه‌ای و ما هستیم

کودتا خنثی شد این تیرروز — تا مه‌های هیات حاکمه و اس‌اخبار رادیو و تلویزیون در هفته گذشته بود اما کدام کودتا؟ در این مورد نیز چون گذشته جناح‌های هیات حاکمه هر یک دیگری را متهم به راه اندازی کودتا و... نموده است. اگر خود را از قید و بند این اتهامات و برنامه‌های حساب شده در برابر که از هر مسئله‌ای برای تصفیه حساب در بلوک سیاسی بر علیه یکدیگر و برای پیشبرد ساد ه ترا اقدامات ضد انقلابی خود به هر میگیرند، برهانیم آنگاه ابعاد حقیقی مسئله بر ما روشن میگردد. و عوامل مزدور و سرسپرده آن در حکومت و خارج آن و در ارتباط و با آنگاه به بورژوازی است.

این قبیل کودتاها جزئی از توطئه های امپریالیسم برای بازگردد دادن نظم مطلوب به سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و استقرار شرایطی که امپریالیسم بتواند منافع خود را هر چه بیشتر تامین کند، هدف اساسی این توطئه های خنثی شده میباشد. اما این عبارت کلی: "ایده‌آلود واقعیت، مسیرو مجرای ساده ای را که حکومت و جناح های آن تصویر میکنند طی نگرفته است." کودتا چنان که عمدتاً (بنا به مدارک حکومت) دنبال یک برنامه ضربتی برای مساعده کردن شرایط جهت کسب قدرت در مراحل بعد بوده اند، اساساً با بهره جویی از جو عمومی ناراضی توده ها، یا به زعم آنان انتقال سیاسی توده ها، بقیه در صفحه ۲

پاسخ به نامه‌ها

در صفحه ۳

در پیک رزمندگان می‌خوانید:

- درباره کودتا و زمینه‌های آن
- کودتای ارتش جمهوری اسلامی نشان داد
- کمونیست‌ها هرگز دروغ نمی‌گویند
- به مناسبت سالروز سی تیر: زحمتکشان تاریخ سازند!
- بارش آگاهی و گسترش مبارزات کارگران
- انجمن اسلامی کارخانه رسوا تر میشوند
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه
- و ...

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

قسمت سوم

در شماره قبل سیاست هیات حاکمه را از بدوروی کارآمدن آن تا پائیز ۵۸ بطور اجمالی بررسی کردیم. بطور کلی سیاست هیات حاکمه در قبال مسأله ارضی — دهقانی تابع دو عامل بوده است.

۱- سیاست عمومی حکومت در قبال مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سیاستی که بخصوص با عهده دار بودن مسئولیتها ی رسمی توسط بورژوازی لیبرال مبتنی بقیه در صفحه ۵

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

دست به این برنامه ریزی ها زده اند. ولی آنچه در درون این جریان بیشتر از همه چیز اهمیت دارد، نه نفس کودتا بلکه گسترش انقلاب در ایران و شرایطی میباشد که موجب میشود چنانچه حاکم بر علیه یکدیگر دست به انواع توطئه ها بزنند و امیرالایسم با انکاء به بورژوازی و عوامل سر سپرده و وابسته در حکومت در صدد تحکیم موقعیت خود بآید. فـ

از جریان "کودتای خنثی شده" بر- ای تحکیم موقعیت خود، کنترل ارتش و... به سرعت استفاده کرده است و ما میدانیم که آنها تغییر ی در ماهیت ارتش ایجاد نخواهند کرد و ارتش با زهم ارگان سرکوب خواهد بود. نکته مهمی که ما در اینجا باید آنرا توضیح دهیم، علاوه بر ما- هیت این چنین کودتا هایی محکومیت آنها به شکست است. این قبیل اقدامات اینک چند ماه است که در اشکال گوناگون خود را نمایش میدهد. لیکن همگی حتی در صورت موقعیت منطقه ای و کوتاه مدت

ما باید در تحت هر شرایطی تنها و تنها به مصالح انقلاب بپایندیشیم و عمل کنیم میسرند چگونه؟ برای آنکه ما بتوانیم در شرایط پیچیده ای که گفتیم ابتکار انقلابی را از دست ندهیم و نگاه داریم، نباید "بفغ یکی، علیه دیگری خود را منحل نمائیم. یعنی از مواضع انقلابی خود خارج شده و به سازش با ضد انقلاب کشیده شویم. ما باید در سر لوحه هر عمل خود استقلال پرولتاریا، استقلال تشکیلاتی سیاسی - ایدئولوژیک عمل خویش را حفظ کنیم.

در برابر پتانسیل انقلابی توده ها و حتی تضادهایی که میان دوشد انقلاب پس از چنین کودتا هایی در خواهد گرفت به آن اجازه زندگی نخواهد داد.

با این وجود، محکومیت کودتا به شکست، به معنی نفی امکان آن نیست. ما در مقابل ۱۲، که محکوم احکام آنرا و قایح یکی پس از دیگری نشان داده است، ضمن اینکه نشان دادیم این قبیل اقدامات محکوم به شکست است، امکان آنرا نفی نکردیم. چنین امکانی را بویژه ابعاد جنبش انقلابی، ماهیت ارتش و بحران عمیق اقتصادی سیاسی حاکم، ناامیدی بورژوازی از اینکه بزودی حکومت شکل مطلوب آنها را بگیرد... توضیح میدهد.

پس چه چیزی در اینجا اهمیت دارد و باید بدان پرداخت؟ ما میدانیم که کل هیات حاکمه ضد انقلابی است و در شرایط کودتا حداکثر تجربه خواهد شد و مبارزه میا آنها به شکل حاد و قهرا میزد خواهد آمد اما این موضوع، در رابطه با مبارزه توده ها و انقلاب چه وظیفه ای را بر عهده ما میگذارد؟

اپورتونیست ها معمولا چنین شرایطی را بهترین توجیه برای ترک کردن مبارزه انقلابی قلمداد میکنند. آنها بجای آنکه در شرایط پیچیده مبارزه طبقاتی (که هر روز پیچیده تر میشود) با انکاء به اساسی

ترین نکات استراتژیک و با توجه به مبارزه طبقاتی جاری به انتخاب تاکتیک بپردازند به سرعت از هر شرایط شخصی، یک "شرایط تاکتیک" اپدی میسازند تا در پرتو آن مبارزه طبقاتی (و "هدف نهایی" رانفسی کنند. توجیه آنها در زمانی که چنین وقایعی هنوز تحقق نیافته است "امیرالایسم" بطور انتزاعی یا "امکان" چنین چیزی و وقت سی به وقوع پیوست، خود آن است.

اپورتونیست ها بدنبال "جناح انقلابی" ضد انقلاب، ابراه میافتند و پیوسته فریاد میزنند: "شرایط مشخص" اما ما نیز به این شرایط مشخص پای بندیم. اگر مارکسیسم لنینیسم لحظه ای خود را از منبع لایزال حیات خویش یعنی شرایط مشخص جدا کند، به تئوری جامد و نه راهنمای عمل، تبدیل خواهد شد. ولی اپورتونیست ها و از جمله س.ج اکثریت از جنبش انقلابی میخواهند بسود یکی از طرفین دعوا در بالا خود را خلع سلاح کنیم. آنها به هواداران خود در "گردد" رهنمود میدهند که تحت فرماندهی پاسداران به مبارزه علیه نیروهای ضد انقلاب قدیم بپردازند. چیزی که اپورتونیست ها میگویند در حقیقت اعاده حیثیت به ضد انقلاب حاکم یا جناحی از آن بسود دیگری است.

چونظرا، در شرایط مقطعی که شرح آن رفت، در صورت وقوع

اپورتونیست ها معمولا چنین شرایطی را بهترین توجیه برای ترک کردن مبارزه انقلابی قلمداد میکنند. آنها بجای آنکه در شرایط پیچیده مبارزه طبقاتی (که هر روز پیچیده تر میشود) با انکاء به اساسی ترین نکات استراتژیک و با توجه به مبارزه طبقاتی جاری به انتخاب تاکتیک بپردازند به سرعت از هر شرایط شخصی، یک "شرایط تاکتیک" اپدی میسازند تا در پرتو آن مبارزه طبقاتی (و "هدف نهایی" رانفسی کنند.

چنان بحرانی، مایک وظیفه داریم: پیشبرد انقلاب! ما باید در تحت هر شرایطی تنها و تنها به مصالح انقلاب بپایندیشیم و عمل کنیم. میسر - سند چگونه؟ برای آنکه ما بتوانیم در شرایط پیچیده ای که گفتیم ابتکار انقلابی را از دست ندهیم و نگاه داریم نباید "بفغ یکی - علیه دیگری خود را منحل نمائیم" یعنی از مواضع انقلابی خود خارج شده و به سازش با ضد انقلاب کشیده شویم. ما باید در سر لوحه هر عمل خود استقلال پرولتاریا، استقلال تشکیلاتی - سیاسی - ایدئولوژیک و عملی خویش را حفظ کنیم. ما در اینجا

با دو انحراف بزرگ مرز بیند میکنیم: ۱- اینکه شرایط تاکتیک و مقطعی محتمل را به عنوان "شرایط" موجود بپایزنند. و تاکتیک وضعیت دیگری را به حال حاضر تعمیم دهند. ۲- اینکه به بهانه ها مختلف از قبیل انقلابی بودن هیات حاکمه تا بیم خطر تجاوز امیرالایسم و کودتا و غیره بخواهند استقلال و پرولتاریا را به انقلاب پرولتری رانفسی کنند.

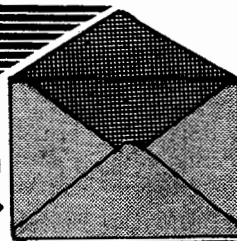
کمونیتها در تحت شرایطی با بدبختی اند، مثل یک پارتیزا تاکتیک انقلابی خود را بسود مبارز انقلاب، پرولتاریا و توده های زحمتکش به پیش ببرند: این است آموزش لنین کیبره ما!

ما از هم اکنون، با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی پیچیده فعلی، موقعیت توده های انقلابی و تضادهای هیات حاکمه، موکداً میگوئیم: یگانوار، مقابل با هر گونه اقدامات ضد انقلاب غیر حاکم. تنها تجهیز توده ها، افشای ماهیت هیات حاکمه، بسیج و آمادگی انقلاب بی برای مقابل مستقل و کسب قدرت سیاسی در صورت امکان در هر جا که شرایط فراهم میباشد است.

(روح روزمندگان ۱۲) این به معنی آن نمیشد که به این بهانه از هم کنون "س.ج" (اکثریت) نه تنها به تقویت جناح

خرده بورژوازی حاکم، به جای شکل توده ها بپردازد. بلکه نیروهای خود را بجای عمل مستقل و متشکل به درون سپاه پاسداران بفرستد و تنها به آن رهنمود دهد: بگوئید ما فدایی هستیم!

هم اکنون ما با یک نمونه از این شرایط پیچیده روبروئیم مثلاً در کردستان نیروهای ضد انقلاب حاکم بر علیه نیروهای انقلابی و نیروهای ضد انقلاب غیر حاکم میچنگند. اگر در نقطه ای نیروهای ضد انقلاب حاکم بر علیه ضد انقلاب سابق مبارزه می کنند ما چه وظیفه ای داریم: از موضع بقیه در صفحه ۴



پاسخ به نامه‌ها

درباره نامه‌ها از جمله نامه رفیق ف، رفیق احمد "به قسمتها بی از مقالات شماره‌های مختلف ارگان نظیر" خرده‌بورژوازی و انقلاب "در شماره ۱۱، و مقالات شماره ۴ اشاره شده است. در این اشارات رفقا متذکر میشوند که برای خرده بورژوازی حاکم استعداد حرکتی بر علیه امپریالیسم در نظر گرفته شده (ملی کردن بعضی از موسسات وابسته، اشغال سفارت، مجازات عوامل وابسته و کارگران رژیم سابق، قطع روابط سیاسی با برخی از رژیم‌های دست‌نشانده...) اما در عین حال این خرده‌بورژوازی ضد انقلابی ارزیابی میگردد. از نظر این رفقا باید از قائل شدن استعداد فوق در مقایسه با خصلت اصلی خرده‌بورژوازی حاکم در حراست از نظام سرمایه‌داری وابسته و جلوگیری از توسعه انقلابی مبارزه فدا امپریالیستی توده‌ها خوداری کرد و یا بقول یکی از رفقای دیگر "حتی جریان اشغال سفارت..... تا برگزاری نماز جمعه را باید بمنال به شیوه سرکوب غیر قهرآمیز (فیب) توده‌ها تلقی کرد که مضافاً متضمن تضعیف جناح دیگر نیز هست." به عبارت دیگر ما باید چارتناقض گویی شده ایم و یا از منظور اصلی از این حرکات یعنی "قریب" غافل گشته ایم.

بنظر ما اشارات این رفقا جنبه‌های مهمی از واقعیت را در بر دارد. یعنی هم تضادهای خرده‌بورژوازی حاکم با امپریالیسم نسبت به خصلت اصلی آن در حفظ نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم فرعی است و هم در برابر حرکات قمع‌فیب ما نور و بدست آوردن موقعیت برتر در قدرت سیاسی از طریق تضعیف جناح دیگر حاکم اهمیت فراوان است اما آنچه میبایست مورد توجه رفقا قرار گیرد اینست که تدوین تاکتیک

صحیح در پاسخگویی به اوضاع سیاسی اجتماعی جامعه تنها با درک صحیح از مبارزه طبقاتی تمام جامعه امکان پذیر است. غفلت از ریشه‌های طبقاتی حرکات جریان‌های مختلف سیاسی و تفسیر علی این حرکات تحت عنوان فریب، مانور و... که در واقع مقاصد ذهنی آنهاست، ما را به ایده‌آلیسم و متافیزیسم دچار خواهد نمود. کوچکترین ضرر این نوع تفسیر غیر علمی اینست که ما نتوانیم بخوبی از عهده تحلیل تحولات جامعه برآئیم و بخصوص در امر مبارزه با جریان‌های مختلف سیاسی ضد انقلابی نتوانیم تاکتیک‌های متناسب را اختیار کنیم.

مثلاً همان اشغال سفارت حمایت خرده‌بورژوازی حاکم از آن که تا قبل آشکارا امپریالیسم آمریکا کشیده شده است را نمیتوان تنها با فریب توجیه نمود. واقعیت اینست که این تقابل در عرصه مبارزه ذات طبقاتی لطافت جدی بر سلطه امپریالیسم و قدرت بورژوازی وارد کرده است. و یا علت توطئه‌های امپریالیسم (چه داخل هیات حاکمه و چه خارج آن) بر علیه این خرده‌بورژوازی از کج‌ناشی میشود؟ آیا صرف فریب و مانور می‌تواند توضیح دهنده این نمونه‌ها و نمونه‌های دیگری باشد؟ جواب منفی است. با تشخیص از جمله این واقعیت است که میبایست خط مشی خود را در قبال هیات حاکمه و بویژه جناح خرده‌بورژوایی آن مشخص کنیم. اما واقعیات مهمتر چیست؟ هیات حاکمه در مجموع و بخصوص جناح خرده بورژوایی آن که امکانات گسترده تری را در اختیار دارد به تحریک و توطئه بر علیه نیروهای انقلابی و سرکوبی مبارزات کارگران، دهقانان و خلقهای مختلف ایران مشغول است. این جناح متحد بورژوازیست و قدرت سیاسی حافظ نظام سرمایه

داری وابسته را تشکیل میدهد و... خط مشی ما میبایست این جوانب مهمتر قضیه را در نظر داشته باشد. و بخصوص باید بتوانیم مشخص نمایم که کدام جنبه میبایست تعیین کننده خط مشی ما و کدام جنبه باید در این خط مشی در مقاطع مختلف موثر واقع شود. این برخورد را ما در سرمقاله ۳ و سرمقاله همین شماره و مقاله "منازعه" اکثریت با اقلیت "س.ج" بر سر خرده‌بورژوازی توضیح داده ایم.

وظیفه ما اینست که اولاً: از نظر تشویریک نشان دهیم که بنا بر معیارهای مارکسیسم - لنینیسم در قضاوت جریان‌های مختلف، یعنی سطح مبارزه طبقاتی جاری در جامعه، اوضاع سیاسی - اجتماعی و مسئله قدرت سیاسی، کدام یک از جنبه‌های فوق خلقت اصلی خرده‌بورژوازی را کم را در رابطه با انقلاب تشکیل میدهد، و ثانیاً این تحلیل را با تاکتیک‌های متناسب افشاگرانه و... مبنای فعالیت خود در میان توده‌ها قرار دهیم.

دیدگاهی که بی اعتنا به وضعیت عینی و ذهنی مبارزه طبقاتی جاری در جامعه و قدرت سیاسی آن محک اصلی در تعیین نقش جریان‌های مختلف را برخورد به امپریالیسم قرار میدهد و راه بیشتر در مقابل خود ندارد. با از واقعیت حضور رایج فوقانی خرده‌بورژوازی در قدرت سیاسی حرکت نموده که طبعاً حرکات آنرا بر علیه امپریالیسم دلیلی بر انقلابی بودن، خلقی بودن و امثالهم تلقی میکند (فداشیا - اکثریت) و یا از تشخیص ذهنی خود (ضد انقلابی بودن هیات حاکمه) حرکت نموده و "واقعیت" را بر آن تطبیق میدهد. یعنی حضور این خرده‌بورژوازی را در قدرت حاکمه انکار نموده و آنچه بعین طبعی بر روز می‌کنند را اثر مقاصد ذهنی آنها (فریب و...) میدانند.

آنچه از نظر تشویریک در "رژیم" گمان "دنبال" میشود، از جمله برای اینست که خط مشی ما در عرصه‌های مختلف مبارزه با حرکت از واقعیت جاری و مستقل از ذهن ما از یکسو و بکار گرفتن اصول مارکسیسم - لنینیسم در تعیین وظایف کم -

کمک‌های مالی دریافت شده

الف	غ
۱۰۰۲۳	۱۰۰۹۶
ب	ز
۱۰۰۴۴	۲۱۸۸
پ	م
۱۰۵۵	۱۰۰۵۸
۳۳۰۰	۵۲۴۰
ج	۳۰۲۳
۱۰۰۳۳	۵۰۱۲
س	ک
۷۵۰۰	۱۰۰۱۹
ش	ل
۳۱۷۹	۵۰۱۲
ن	۶۰۰۱

کمک‌های مالی شما نقش مهمی در ادامه کاری و گسترش فعالیت ما و اهداف انقلابی سازمان ما دارد. این کمک‌ها را بعنوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید. برای اطمینان شما از دریافت کمک‌های مالی‌تان به سازمان یک عدد بعنوان کد انتخاب کرده و به همراه نام - ول حرف خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در نشریه درج میکنیم مثلاً اگر مبلغ پرداختی شما ۷۰۰۰ ریال و کد انتخابی بی ۹۵ حرف اول نام شما "ج" باشد در ستون کمک‌های مالی دریافت شده "ج ۷۰۵۰" را ملا حظه خواهید نمود.

قطع کامل رسته‌های خونین امپریالیست‌ها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشانشان پذیراست!

توضیح پیرامون مدعای

'راه کارگر'

رفقا، پیشنهاد تبدیل راه پیمایی به میتینگ در همان ساعت که ستاد سراسری برنامہ داشت کجاست و تعطیل به خاطر شرکت در راه پیمایی ستاد سراسری کجا؟

رفقای راه کارگر ما بخاطر موضع محکم خود بخاطر برگزاری راه پیمایی مستقل، به سختی مورد انتقاد رفقای "وحدت"

انقلابی قرار گرفتیم. هر چند که انتقادات آنها را وارد نمی دانیم. و شرط در مقابل، چنین انتصابات ناروا - بی رابرها وارد می کنید.

رفقا، آیا بهتر نیست که کاندید مبارزه ایدئولوژیک و انبساط عدم حقانیت مواضع "رزمندگان" را بجای دیگر بکشانید که هم حقیقت داشته باشد. و هم اینکه سندیت

رفقا ما را متهم بدزدن بزرگداشتن ابتدایی ترین اصول بر - خورد میان نیروهای انقلابی می کنند، و ما تعجب می کنیم که چرا شما از این "ابتدایی ترین اصول بر خورد میان نیروهای انقلابی"

مبنی بر اینکه محبت ها و پیشنهاد های خصوصی درون نشست ها، و کمیته های غیر علنی و علنی را - حتی در صورت محبت و حقیقت آنها! - نباید بصورت علنی وبدون اطلاع طرف مقابل منتشر ساخت، اطلاع ندارید؟ و نیز اینکه تمیذ اند نسبت دادن مطالب آنها بدنیروی سیاسی، چه رسد بدنیروی انقلابی، باید سندیت داشته باشد.

وانگهی، رفقا! انصافاً بگو - شید کدام طرف ساله را به جزئیات کشانده است؟ چه کسی مبارزه ایدئولوژیک را به موضوعات فرعی کشانده است؟ آیا مقاله پوشش بی طرفی را بدون وارد کردن آن انتصابات ناروا به "رزمندگان" و "پیکار" نمیتوانستید بنویسید؟

رفقا! آیا بهتر نیست که مبارزه ایدئولوژیک را به مجرای اصلی خود بیاوریم و در جای دیگر حقانیت خود را به اشاعت رسانیم!

"راه کارگر در پاسخ به اعتراض ما مبنی بر اینکه "چرا انتصابات ناروا به رزمندگان وارد کرده است" بجای وفاداری به حقیقت قضا و اتفاقات بنا بر همان انگیزه ها که قبلاً باز گفتیم، بر روی صحنه انتصابات ناروای خود ایستاده و مجدداً ادعا کرده و حتی دلیل آورده است که "رزمندگان" خواستار شرکت در راه پیمایی ستاد سراسری بجای راه پیمایی مستقل کمیته مشترک بوده است. ما، مجدداً، با قوت و اطمینان کامل، اعلام می کنیم که اولین پیشنهاد دهنده و امضا کننده، برای برگزاری راه پیمایی بی مستقل کمیته مشترک "رزمندگان" بوده است.

اگر پلاکاردی از کارگران کا - رخانه ای که هوادار ما بوده اند، در جریان راه پیمایی ستاد سراسری بالا برده شده است، که ما از صحت امر کاملاً بی اطلاعیم، اولاً دلیلی بر طرفداری ما از شرکت در آن راه - پیمایی نمیشد. زیرا که جریان انتصابات هوادار ما در بسیاری از کارخانه ها وجود دارند، که حتی بنا به تصمیم خود حرکت می کنند، چرا که در روابط تشکیلاتی ما تمیذ باشند. در ثانی اگر یک پلاکارد از کارگران هوادار ما در راه پیمایی سراسری وجود داشته، که این خود هیچ چیز را تمیذ نماند، در عوض و در مقابل، چندین پلاکارد از کارگران هوادار ما در کارخانه های مختلف مانند بافکار، راه آهن و اکباتان و... در جریان راه پیمایی بی مستقل کمیته وجود داشت.

از اینها گذشته، لازم به توضیح است که در صبح برگزاری راه - پیمایی، رزمندگان پیشنهاد تبدیل راه پیمایی به میتینگ را در همان ساعت، یعنی همزمان با راه پیمایی ستاد سراسری، داده بود که راه کارگر در مقابل این پیشنهاد موضع متزلزل داشت و تنها رفقای پیکار بر روی ادا به برنامہ - بصورت راه پیمایی - اصرار نمودند.

بقیه از صفحه ۲

سرمقاله

دارد که بدون رسیدن بوحث ضرورت اقدام وسیع در سطح جنبش بطور مبرم بوجود نیاید و ما نتوانیم بطور جداگانه به این ضرورت پاسخ دهیم. آنگاه چه باید بکنیم؟

وضعیتی نظیر کودتا به ما گوشزد میکند که چه با چنین شرایطی یا شرایطی ما نتوانیم بحدت دست یابیم صورت پذیرد. ما در این شرایط چگونه از عهده وظایف سنگین خویش در ادا ما؟ امر انقلاب برخواهیم آمد، توده ها به پیش میروند، و ما باید باز به ناظر فعال و نه رهبر جنبش، نه هدایت کننده و ما زمان دهنده آن تبدیل شویم. اینست مسئله ای که شرایط مقطعی به ما میگوید و باید برای آن فکری بکنیم. بنظر ما،

هرگاه نیروهای انقلابی اتحاد عمل نداشته باشند، هرگاه در جنبش

مقاطعی نیروهای پراکنده برآیند واحدی در عمل مشخص نداشته باشند، طبیعتاً نمیتوانند بطور موثر بر جنبش

انقلابی تاثیر بگذارند. چنین اتحاد عملی حول مسائل معین ویرا مقاطع معین است. ما باید از هم اکنون با نقشه مشخص چنین اتحاد

عملی را پیش بینی کنیم و برای آن آمادگی لازم را داشته باشیم تا در صورت لزوم بتوانیم با سرعت دست به اقدام بزنیم.

چنین اتحاد عملی هرگز به معنای ارائه آلترناتیوی در مقابل وحدت نیست. ما باید کار عده واسه

سی خود را وحدت قرار دهیم و در این راه لحظه ای از پانشنینیم. چنین اتحاد عملی به معنی برآیند مشترک در عمل مشخص آنهاست تحت

شرایط مشخص است، و نه هیچ چیز دیگر. جنبش انقلابی به پیش می رود و ضد انقلاب بطور کلی دست به انواع

دسایس علیه آن میزند، توده ها میخوانند دنیای نوینی بسازند و ضد انقلاب با کودتا و انواع باصطلاح

انقلابات فرهنگی و غیر فرهنگی، آنان را سرکوب مینماید. ضد انقلاب حاکم و غیر حاکم هر دو در این امر متحدند! وظیفه ما، گسترش مبارزه طبقاتی و پیشبرد امر انقلاب است! در راه آن به پیش!

مستقل و انقلابی بر علیه نیروهای ضد انقلابی سابق مبارزه کنیم. و خود ابتدا را در دست گیریم و با حفظ استقلال خویش در جریان مبارزه، توده ها را علیه ضد انقلاب قدیم بسیج

کنیم! حتی اگر ضد انقلاب حاکم در اینجا با ما در عمل همسو شده است، ولی آیا این امر به معنی تسلیم ما به ضد انقلاب حاکم است؟ نه! ابتدا!

اینست فرق میان مارکسیسم - لنینیسم و اپورتونیسم!

اما با یک مسئله باقی است

با توجه به وضعیت جنبش کمونیستی، پراکندگی نسبی حاکم بر آن علی رغم پیشرفت در مروجت، آیا میتوان و یا بدینبرابر جنبش

انقلابی توده ها وظایف سنگینی که اوضاع پیچیده تر بر یک تک سازمان - نهی کمونیستی در قبال مسائل مشخصی اعمال میکند، بصورت جدا - گانه و یک تک وارد عمل گردید؟

آیا بتانسیل روز افزون مبارزه طبقاتی و مقاطع مورد ذکر، ما توانایی ما بطور جداگانه میخواند؟ پاسخ منفی است.

وحدت حول برنامه مشخص مبرمترین وظیفه همگی ماست. ما برای تحقق آن کامیابی به هم خویش

برداشته ایم چنانکه به مبارزه ایدئولوژیک جدی در تبیین از مواضع برنامه خود در نشریه دست زدیم و تلاش در راه وحدت را عمده ترین وظیفه

جنبش تلقی می کنیم. هر کس به هر نحو بر سر راه وحدت و مبارزه ایدئولوژیک لازم آن مانعی قرار دهد، در واقع به جنبش ضربه زده است.

تنها راه پاسخگویی صحیح و قاطع به مسائل جنبش کمونیستی، راه رسیدن به حزب کمونیست، در حال حاضر عمدتاً مبارزه برای وحدت و مبارزه ایدئولوژیک در این راه و تدوین

برنامه انقلابی میباشد. این امر هید مرحله ای جنبش کمونیستی ماست که بطور روزمره و همیشگی و با وقوف کامل نسبت به آن تاکنون حرکت کرده ایم و از این پس نیز بطور عمدتاً در انبثال می کنیم. اما اگر ما از شرایط مقطعی صحبت می کنیم که این امکان وجود

مرگ بر امپریالیسم آمریکایی و ارتجاع داخلی!

اصلاحات ارضی...

بر حمایت از سرمایه داران خصوصی، از طریق سرکوب جنبشهای توده ها و ایجاد شرایط مسا عدل برای فعالیت اقتصادی این سرمایه داران بود. ۲- جنبشهای دهقانی که با تأخیر پذیری از جنبش عمومی توده ها در دوران اعتلا و رکود نسبی خود هیات حاکمه را "نه عقب نشینی اجباری و تثبیت به وعده ها مجبور ساخته. جنبشهای دهقانی توانسته اند سیاست عمومی تعرض حکومت نسبت به این جنبشها و اعمال سیاست عمومی آنرا در حمایت از نظام سرمایه داری وابسته تا حدودی خنثی نمایند.

دراوغرناستان و اوائل پائیز ۵۸ جنبشهای دهقانی روبه رشد میگذازد و بار دیگر نمیتوان یکی از مفعلات حکومت در حفظ نظام موجود و یا لایحه در روستاها سر بر میکشد. هیات حاکمه قبل از واج گیری مجدد جنبشهای دهقانی در پائیز و برای آرام نمودن آن لایحه ای را بصورت یب میرساند تحت عنوان لایحه "واگذاری و احیای اراضی" در این لایحه (که در اوایل شهریور جنبه قانونی پیدا میکند، نظام موجود در روستاها و نتایج اصلاحات ارضی رژیم شاه بر سمیت شناخته شده و تخطی ناپذیر اعلام میگردد، بند ۲ برای آرام نمودن جنبشهای دهقانی لایحه "واگذاری-راضی موات را با شرط های مختلفی وعده میدهد.

در کنگران مسائل کشاورزی که به ابتکار وزارت کشاورزی در مهر ماه بمنظور "محبوب" نمودن این لایحه تشکیل میشود عمدتاً مالکین و خرده مالکین شرکت میکنند. در این کنگران لایحه مزبور بعنوان حمایت جمهوری اسلامی از مالکیت دهقانان تبلیغ شده و وعده "واگذاری اراضی موات بعنوان اوج ترقی خواهی جمهوری اسلامی معرفی میگردد. این لایحه که توسط بورژوازی لیبرال تهیه شده بود مورد پشتیبانی مجموعه هیات حاکمه که در پی ساداری از نظام سرمایه داری وابسته متحد میباشند قرار گرفته بود. ایزدی در توجیه لایحه "فدائینقلابی" فـ سـ و ق میگوید:

"اصلاحات ارضی انجام شده و دیگر فئودالیزم در ایران از بین رفته است"

با تعبیرات دیگر دلیلی بر حقانیت جنبشهای دهقانی نیست و نکات بات و اعتراضات آنها میتواند از طریق قانونی و اساساً از طریق واگذاری اراضی موات جبران شود.

آیت الله منتظری در نماز جمعه ۱۱ آبان در دفاع از سیاست هیات حاکمه میگوید:

"کشاورزان عزیز و محترم بی جهت سرزمینهای جنگ نکنید. هر کس زمین را احیا میکند، دیگری حق ندارد مزاحمتش پشود و در صد اعتراض بر آید. زمین خدا، بیابان را که فرد مسلمانی احیا کرده (والا البته منظور وضعیت موجود در روستاهاست - رزمندگان) توحق نداری تصرف کنی. اگر زمینی با پرافتاده و کسی احیایش نکرد دستبرو احیا کن"

و از زبان مهره دیگری از هیات حاکمه در مورد وعده "واگذاری اراضی موات چنین گفته میشود:

"البته شرط و شروطش اینست که اول به آنها اجازه میدهم اگر خوب کار کردند و زراعت کردند به آنها واگذار میشود و در غیر این صورت اگر رول کردند و رفتند شهر فقط دلشان خوش بود که مالکشان هستند پس از سه سال مجبوریم از آنها بگیریم و به دیگری واگذار کنیم" (اطلاعات ۲۹ مهر - ایزدی وزیر کشاورزی)

سیاست هیات حاکمه بر کسانیکه با وضعیت روستاها آشنا هستند روشن بود. و بخصوص برای دهقانان بهتر از هر کس دیگر قابل فهم بود، که تا چه اندازه مزورانه و فریبکارانه است. هزینه سنگینی احیای اراضی موات و تمام وامها و تعهداتی که توده دهقانان میبایست نسبت به نظام سرمایه داری وابسته برای استفاده از چنین مرحمتی متحمل شوند بسیار واضح تر از آن بود که بتوانند توده دهقان را بفریب جنبشهای دهقانی درست بر علیه همان چیزی روبه رشدند که جوهر اصلی این لایحه را تشکیل میداد، یعنی تثبیت اشکال مالکیت و کلان نظام حاکم بر

روستاها.

مالکین از لایحه فوق به رعایت آمده و برای باز پس گرفتن مواضع از دست داده شده تشجیع میشوند. مثلاً در تواحی مختلف مازندران ایادی زمینداران بزرگ به آتش زدن خرمنهای کشت شده توسط دهقانان بر روی زمینهای صادره شده میپردازند. مزدوران زمینداران به دهقانان حمله میکنند و به ضرب و جرح آنها برای بیرون راندن آنها از زمینهای صادره شده میپردازند. در عوض دهقانان نیز به مبارزه خود بر علیه مالکان شدت میبخشند. در روستاهای اطراف قائم شهر دهقانان از پرداخت بهره مالکانه (اجاره) خودداری نموده و با زاندارها و پاسبان سدارها که به حمایت از مالکان برخاسته اند به مبارزه میپردازند. در روستاهای "پنهانجی" همین حرکت از سوی دهقانان صورت گرفته و به درگیری مشابه کشیده میشود. خودداری از پرداخت اجاره و سهم مالک در جمال کلا "باعت میشود که دهقانان در قبال دسیسه های مالک به خانه اوربخت و اوراکت بزنند و البته دادگاه هتن از روستائیان را به زندان میکشاند. در روستاهای اطراف آمل دهقانان زمینهای مالکین را صادره میکنند. در یکی از روستاها زمیندار بزرگ ده ۷۰ نفر چماق سدار مسلح را اجیر نموده به دهقانان حمله و میروشند و عده ای را زخمی نموده و تراکتور آنها را آتش میزنند و

در ماه آبان اتحادیه سراری دهقانان ترکمن صحرانشینان شده و مبارزات دهقانان در این منطقه اوج تازه ای میگیرد. نمایندگان اتحادیه های روستاهای مختلف عزم را سخ خود را در صادره زمینهای غصب شده آنها اعلام نموده و آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای خود اعلام میکنند. در همین ماه خوش نشینان روستاهای اتابک فارس ۵۰۰ هکتار از زمینهای ملاکین را صادره نموده و زیر کشت میبرند و در قبال تلاشهای مالکین که از طرف کمیته وسپاه پاسداران منطقه پشتیبانی میشود مقاومت میکنند. اینها تنها نمونه های از واج گیری جنبشهای دهقانی در اوائل پائیز هستند.

طبقه رشد مجدد جنبشهای دهقانی در زمانی در عرصه پنهان و روستاها میسر شد که هیات حاکمه با رشد جنبشهای کارگری و با تکامل آگاهی توده ها نسبت به ناتوانی حکومت و با پیشرفتهای سریع جنبش انقلابی خلق کرد و شکست تهاجم مرداد ماه به کردستان و روستاها در عهد هدایت مسئولیت های رسمی بود علاوه بر موج ناراضی و مبارزه توده ها با مخالفت های درونی و رقابت های شدید جهت بدست آوردن موقعیت برتر مواجه میشود طرح اشغال "سفارت آمریکا" از سوی محافل مرتبط با خرده بورژوازی حاکم تهیه شده بود، مورد پشتیبانی این جناح قرار گرفت. این جناح برای جبران تضعیف موقعیت مجموعه هیات حاکمه بر اثر رشد مبارزات خود و برای بدست آوردن موقعیت برتر و تحکیم هژمونی خود در هیات حاکمه به اشغال سفارت تن در میدهد و میکوشد تا تمام اذهان را متوجه اعمال خارجی و جناح رقیب خود بیندازد. اما عوارض افشاکاری بر علیه بورژوازی لیبرال و وابستگی عناصر آن به امپریالیسم آمریکا در متن استعداد عظیم توده های مردم در مبارزه ضد امپریالیستی ابعاد بسیار وسیعتری از آنچه مورد نظر جناح خرده بورژوازی حاکم بود به خود گرفت.

سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال از موقعیت قبلی خود بسیار آسان جاری هیات حاکمه را در عرصه های مختلف (سرکوب در کردستان، لغو آزادیهای دمکراتیک سیاسی، و جلوگیری از اعتراضات و) دچار ضربات شدیدی نمود. اگرچه "شورای انقلاب" که بجای کابینه بازرگان عهده دار رسمی مسئولیتها شده بود، با حفظ ترکیب همان کابینه و با صدور بیانیه "برادرمه همان سیاستها تاکید داشت اما قادر به کنترل عوارض ناشی از دگرگونی در اوضاع سیاسی جامعه نبود. "شورای انقلاب" حتی به پنهان کردن خطرات امپریالیسم آمریکا خواهان اطاعت کامل توده ها از قوانین و مقررات جاری شد و هرگونه تحصن و اعتراض و حرکت خود جوش توده ها را ممنوع اعلام کرده و تهدید به سرکوبی آن نمود. اما توده ها با رهبر خود امپریالیستی را بدستنی تفسیر نموده و به تعرض خود بر علیه نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه افزودند علاوه بر این عریان شدن تضادهای درون هیات حاکمه در اوضاع جدید سیاسی به حرکت های متناقضی در دستگاه های اداری و نظامی "جمهوری اسلامی"

منجر گشت که بنوبه خود حکومت را در پیگیری سیاستهای گذشته نتوان میسر داشت. و چگیزی مبارزه توده ها از یکسو نتوانی درونی حکومت از سوی دیگر عیب نشینی های اجباری در عرصه های معینی را تسریع نمود یکی از این عرصه ها روستا ها و جنبش دهقانی بود.

بسمتوان نمونه میتوان رشد جنبشهای دهقانی در فارس را ذکر کرد. در اوایل آبان ماه در روستاهای اطراف مرودشت دهقانان به مبارزه اراضی مالکان میپرداختند. در ده "میدان" ۲۰۰ هکتار اراضی یک مالک توسط ۶۴ نفر از دهقانان و خوش نشینان محاصره میشد. در محمود آباد همان ناحیه ۱۲۰ هکتار دیگر از زمینهای همان مالک توسط ۵۲ نفر از زمینداران روستا در حین آباد دهقانان به دهکده با مشارکت یکدیگر ۲۶۰ هکتار از زمین بزرگ مالک منطقه را تصرف خود را آوردند. در ده - لت آباد عده ای از شهر با صری ۱۶۰ هکتار زمین و حلقه چاه را به مدت ۱۷ سال زورگویی خان محاصره نمودند.

در مزارع "کوبچه" دهقانان مجموعاً ۱۰۰ هکتار اراضی را باز پس گرفتند. در روستای دیگری ۴۰۰ هکتار زمین را دهقانان در اختیار خود گرفتند. در روستای "بندامیر" ۴۲۰ هکتار از اراضی محاصره شده توسط دهقانان که در اوایل تابستان توسط مالک پی گرفته شده بود دوباره به همراه اراضی بیشتری به محاصره دهقانان درآمد.

نمونه فوق در مازندران نیز قابل مشاهده است. در اوایل آذر در این منطقه جنبشهای دهقانی به شکل جدید (تظاهرات بر علیه آمریکا و مالکین بزرگ) رشد میکند که با عمل مشخص محاصره همراه است. در "کما نگر کلا"، "علی آباد"، "انبار"، "پولی کلا"، "سرخه کلا"، "نظام آباد"، "رشکلا" و توسل دهقانان به اشکال مختلف مبارزه شدت یافته و با تظاهرات بر علیه آمریکا محاصره اراضی توأم میگردد. در خوزستان واک نیز نهضت محاصره اراضی و تظاهرات بر علیه مالکان گسترش مییابد.

رشد جنبشهای دهقانی در پاشیز غیر از علت های مربوط به تولید (فصل کشت و در برخی مناطق برداشت) از علت های سیاسی جاری در جامعه وضع حیات حاکمه تا شیرات مهمی گرفت. قدرت این جنبشها تا آنجا بود که حکومت را وادار به اعتراف به تجدید نظر در سیاست جاری خود نمود. سیاستی که بهر حال در عرصه عمل به ابتکار دهقانان شکست خورده بود. هنوز بحث در مورد لایحه "واگذاری اراضی و احیاء اراضی" در اطراف کنفرانس طنین میانداخت در حالیکه تصمیم انقلابی دهقانان لایحه ها را به با بگانی تاریخ سپرده بود! وزارت کشاورزی در اواسط آذر ماه مجبور شد که عملاً (و بندها رسماً) تحفه کبابینه، بژر وازی لیبرال یعنی ایزدی را کنار بگذارد. برای محاصره جنبشهای دهقانی جریانات مختلف خرده بورژوازی به تلاش افتادند. در این میان رضا امفانی (معاون وزارت کشاورزی) از همه بیشتر میکوشید تا تسوده دهقان و جمهوری اسلامی را با یکدیگر سازگار و در واقع اعتماد اولی را به دومی جلب و دومی را به ضرورت تجدید نظرهای لازم در سیاستهای گذشته آشنا نماید. "امفانی" میکوشید تا ابتکار انقلابی دهقانان را بنفع اقدامات اجباری دولت متوقف نماید. میکوشید تا حرکت قهری دهقانان را به استماع و صبر مجبوری آنها تبدیل کند. او میکوشید تا واسطی میان جنبش دهقانان فقیر و متوسط و جمهوری اسلامی گردد. واسطی وفادار به این جمهوری. او میگفت:

"مالکیت های بزرگ خلاف شریعت اسلام قانونی نخواهد بود"

"زمینها بطور تعاونی تقسیم میشود"

"مالکیت های بزرگ از سوی دولت مورد بررسی قرار خواهد گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد"

"غاصبین زمینهای کشاورزی باید بداند مجری تقسیم زمین دولت خواهد بود، نه افراد"

تقسیم اراضی کشاورزی بین کشاورزان که بر روی این

اراضی کار میکنند و استحقاق آن را دارند تا کنون حرف بوده ولی از این پس با توجه به متغیرهای اسلامی و قانون اساسی ... برای همه امکان کار بر روی زمین ایجاد خواهد شد.

"این درست نیست که عده ای بنام مجری قانون زمین های دیگران و باغهای مردم را مورد تاخت و تاز قرار دهند."

کیهان ۱۷ آذر ۵۸

تنها خشنی که در عده های رفا امفانی وجود داشت این بود که اولاً با اعتراف به شکست سیاستهای گذشته جمهوری اسلامی توده دهقان را در ادامه مبارزات خود تشجیع نمیشود و ثانیاً لایحه های مختلفی جمهوری اسلامی را دچار سرگیجه و تناقض میکرد. به طوریکه حتی در مورد افراد خرده بورژوازی بعضی از ارگانها (پاسداران، اعضا جهاد سازندگی) را به حمایت خود سرانه از توده دهقانان کشتا بدینگونه مثلاً در ۲۵ آذر ۵۸ در کیهان میخوانیم: "از سوی سپاه پاسداران به کشتا و رزاق خوزستان اجازه داده شد (۱) زمینهای با پر فساد الهی را تصاحب کنند ... در ادامه اطلاعیه (پاسداران) به دادگاههای انقلاب آمده است: بر دادگاههای انقلاب اسلامی است که با محاصره اموال و اعدام این زالوهای خونی و اراستقام تمامی مستضعفین خاک را از آنان بگیرند. ما پاسداران انقلاب اسلامی به نوبه خود به تمام فساد الهی و زمین خواران ایران و بخصوص خوزستان در مورد واگذاری زمینهای تصاحب شده به کشتا و رزاق مستضعف اظهار میکنیم (۲) حرکت انقلابی دهقانان و تشتت ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در برخورد با آنها البته برای حیات حاکمه غیر قابل تحمل بود. شو رای انقلاب برای اینکه هرگونه توهم خارج از چهار چوب مورد نظر نظام سرمایه داری وابسته را که میتواند از اوضاع سیاسی و تضادهای درون حیات حاکمه برداشت شود را بزداید در دی لایحه قانونی جدید را تصویب رساند.

متن لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی به شرح زیر است:

"ماده ۱ هر کس بدون مجوز قانونی اقدام به تصرف اراضی مزروعی و باغات و قلمستانها و اراضی و مراعات ملی شده و امثال آنها منابع آب و موسسات کشاورزی و تأسیسات دایماری و واحدهای کشت و صنعت واقع در محدوده یا خارج از محدوده شهرها و روستاها بنمایند اعم از اینکه اراضی مزبور زراعت شده و یا در حال زراعت باشد و نیز هر کس با صحنه سازی از قبیل پی کنی - دیوار کشی کرت بندی، نه کشی، غرس اشجار، زراعت و امثال آنها به تهیه آثار تصرف در اراضی متصرفی به منظور متصرف و ذیق معرفی کردن خود اقدام نماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا یکسال محکوم میشود و علاوه دادگاه میتواند مرتکب را به اقامت اجباری از سه ماه تا یکسال در یکی از نقاطی که وزارت دادگستری تعیین خواهد نمود محکوم نماید" (۵ دی کیهان)

در سر تا سر زمستان ۵۸ سه جریان مختلف در رابطه با مسئله اراضی دهقانی به وضوح نمایان میشود:

الف - جنبشهای دهقانی که علی رغم تهدیدهای حکومت و ایضا وعد های آن هم چنان روبه رشد میگذارد. در آخرین روزهای آذر ماه در روستای بید زرد گچاران اجتماعی از عیار سرگشتگی تشکیل شده که در آن خواهان تقسیم اراضی مالکان، بخشودگی وامها و مبارزه با امپریالیسم آمریکا میشوند. بندها در ماهی در فارس و مازندران و آذربایجان مدها هکتار زمین محاصره میشود و در مواردی شورشهای قهرآمیز دهقانی وقوع مییابد (مانند "بیشه کلا" در مازندران) در

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بقیه از صفحه ۸۰

مشاجره...

آنها (میباشند) و اینها هستند که بنا بودی سرمایه داری وابسته به امپریا-
یا لیسم و قطع کامل نفوذ امپریا -
لیسم را در ایران ممکن میکنند،
آنگاه بر ما معلوم میشود که چنین
جنبشی هنوز نه تنها کاملاً به مسیر
صحیح خود نیفتاده بلکه رهبری آن در
دست خود آن نیست، خرده بورژوازی
از این حاکم رهبر توده ها در مبارزه
انقلابی آنها چه بر علیه سرمایه داری
وابسته و چه قطع کامل نفوذ امپریا-
یا لیسم نیست. آنها رهبر توده ها
در مبارزه علیه ضد انقلاب حاکم
نیستند، زیرا خود چیزی از آن بشمار
میروند. آنها بخشی از مردم متوهم
زاید نیال خود دارند. اما نه در مبارزه
انقلابی، معیار ما در اینجا
نیز روشن است. اما کار را با تصویر
واژگونه از واقعیت نه تنها جنبشی
از هیات حاکمه را انقلابی ارزیابی
میکند، بلکه هژمونی خط امپریا را
نیز میپذیرد. آنها میگویند:

"رفقای! اقلیت" بدون آنکه
خود متوجه باشند بر هژمونی خرده بور-
ژوازی در جنبش ضد امپریا لیستی
صحیح گذاشته اند. چرا که برای داشتن
هژمونی در جنبش دوش شرط لازم است:
یکی آنکه نیروی مورد بحث (یعنی
خرده بورژوازی حاکم - روزندگان)
در درون جنبش خلق با تدبیر و
گرایش غالب در مجموعه حرکت و،
گرایش ضد امپریا لیستی، هر چند
ناپیکر "ضعیف" باشد (یعنی خلق
- هر کسی گرایش هر چند ناپیکر و
ضعیف ضد امپریا لیستی دارد روزمند
گان) و دیگری آن که از بیشترین
اعتماد توده ای و قدرت بسیج توده -
ای برخوردار باشد، یعنی اکثریت
توده هایی که در جنبش ضد امپریا -
لیستی شرکت دارند، از آن نیرو و
تبعیت کنند" (همانجا)

کافیست دوش شرط فوق از نظر
"س.ج." فراهم باشد، تا هژمونی
در جنبش انقلابی تامین شود. در
اینجا هدف انقلاب تنها "قطع نفوذ
امپریا لیسم" یعنی "استقلال
بورژوازی" است، نه تاسیس
سیستم موجود و قطع کامل نفوذ امپریا
یا لیسم. حال آنکه در ایران اصولاً
مبارزه واقعی علیه امپریا لیسم
از مبارزه علیه سیستم موجود جدا
نیست. بنظر "س.ج."، کارگران،
دهقانان، و خلقهایی که علیه
روابط موجود مبارزه میکنند، منحرف

شده اند و بهترین خاطریات حاکمه
انقلابی آنها را سرکوب میکنند؟!

آنها از معوق مبارزه علیه امپریا -
لیسم خارج شده اند؟ خلق کرد
متحد امپریا لیسم است؟
آیا بنظر "س.ج." دهقانان خیابان
مصدق همان امپریا لیسم
هستند؟ و هیات حاکمه بدستی خلق
ترکمن را به عنوان ضد انقلاب کشتار
کرده است؟ جواب "س.ج." با توجه
به معیار آن (هر چند ناپیکر و
ضعیف اما، به اندازه سرور زنی
علیه امپریا لیسم = خلق!) باید
مثبت باشد. "س.ج." با قبول این
هژمونی با پرده انداختن بسوی
نیروهای محرکه انقلاب ما، و با مخد-
وش کردن صفوف انقلابی، علیه امپریا
یا لیسم بدستی عمیق بازنگاری
و اپورتونیزم خود را در عبارت
نقل شده بیان میدارد.

اینکه خرده بورژوازی حاکم بنا
امپریا لیسم تفاد نسبی دارد، دلیل
نفی تفاد قهرآمیز آن با توده های
انقلابی شده است. این که جناح خرده
بورژوازی حاکم، سر پرده نیست
دلیل ماهیت انقلابی و جنبی از خلق
بودن آن شده است. و اینکه میتواند
توده ها را بیشترین بسیج کند دلیل
هژمونی آن شده است. و هژمونی آن
دلیل تسلیم "س.ج." به آن میگردد،
استدلالی سراسیمه و سوس.

بر خلاف نظر "س.ج." اکثریت "نه
تنها نفی هژمونی خرده بورژوازی
حاکم به نفی خود جنبش منجر نمی -
گردد، بلکه ما را وادار میکند که با
مبارزه انقلابی خود به جنبش شکل
بدهیم و هژمونی آنرا بدست آوریم.
"س.ج." اکثریت "میخواهد با استدلال
لغوی غیر مارکسیستی به ما
بفهماند که باید توده ها را ترک کرد و
"بهشتی ها" را بسید. آنها رهبران
جنبشند زیرا میتوانند بسیج کنند و
همچنین مدعی مبارزه ضد امپریا -
لیستی اند!

حال آنکه ما باید کارگران و
توده های دهقانان و زحمتکشان را بر
علیه سیستم موجود، بر علیه همه -
آنها اروپا یگانه های امپریا لیسم و بر
علیه ضد انقلاب حاکم بسیج کنیم. هرگز
نباید چشم خود را از نیروی لایزال
توده ها برداشت. هرگز نباید توده ها
را با عطف توجه آنان به مسائل غیر
اساسی مبارزات جنبی منحرف نمود.
در حالیکه حکومت هر روز با
بهانه های "ضد امپریا لیستی" تود-
ه ها را سرکوب میکند، بوی از هر کودتا
در ارتش تنها به تظہیر آن میپردازد.

و با زمین ارتش را به سرعت خلق
کرد میفرستد (س.ج. توجه کنید!)، در
حالیکه میلیونها زحمتکش از فسط
فقر، بیکاری، گرانای رنج میکشند،
در حالیکه بیکاران دهکده ها و روستاها
علت این که برای دولقمه نان شب
حاضر نیستند که های خود را ببندند
به گلوله بسته میشوند و بشهادت میر-
سند، در حالیکه علیه انقلابی-
کمونیست و غیر کمونیست توطئه ها
میچینند، در حالیکه را دیو و تلویز-
یون به مرکز تبلیغ علیه کمونیستها
و سایر نیروهای انقلابی تبدیل
شده است (و نه علیه امپریا لیسم!)
در این حال "س.ج." میگوید: آنها
چه بخواهیم و چه نخواهیم هژمونی
را به دست آورند، البته که دارند! اما
هژمونی سرکوب و کشتار انقلابیون
را! هژمونی ضد انقلاب حاکم را!

بازی با مفاهیم مارکسیستی و
تبدیل آنها به اسلحه ای علیه مار-
کسیسم، رویزیونیسم در تئوری
و اپورتونیزم راست در عمل حاصل
همه مواضع سیاسی و تحلیلهای
تئوریک "س.ج." شده است. آنها به
اقلیت حمله میکنند، اما برای
تثبیت موضع اپورتونیستی خود آنها
علیه امپریا لیسم فریاد میکشند،
اما به بهای همکاری و سازش با ضد
انقلاب بر علیه انقلاب، نه با تجهیز
استحکام صف انقلاب، نه با تجهیز

بقیه از صفحه ۶

کردستان اتحادیه های دهقانی اکثر مناطق کردنشین را میپوشاند و
دهقانان بکمی نیروهای انقلابی به مصادر اراضی مالکان بزرگ
و بیرون راندن آنها از روستاها و دفاع مسلحانه از حقوق خود ادامه
میدهند.

ب - تجدید نظر در سیاست گذشته جمهوری اسلامی که اگر چه با خطر
شدت مبارزات دهقانان به اجرا در نیامده و در سطح وعده و برسی باقی
است اما میگوید که نهضت انقلابی دهقانان را منحرف نموده و بر آن مهار
بزند و مسئله را با اصلاحات بوروکراتیک بنفع جمهوری اسلامی خاتمه
دهد. و با صفاتی دراز این جریان است که در اوراقهای کنفرانس
کمیسوینهای مختلف هیات حاکمه از جنبشهای دهقانی و جنبشهای
دهقانی را از هیات حاکمه میترساند. او خود اگر چه معاون وزارت خانه
جمهوری اسلامی است اما ذهن بسیاری از روشنفکران انقلابی را بخود
مشغول داشته عده ای سیاست اصلی خود را حمایت از اقدامات
"استاد" گذارده (مجاهدین) وعده دیگری بصورت مشروط، مشروطه در
مقابل "چپ رویهای او" از حمایت میکنند (اتحادیه کمونیستهای
ایران!)

ج - سیاست مجموع هیات حاکمه جمهوری اسلامی که هم چنان مبتنی
بر احترام بر مالکیت "شرعی و عرفی مالکان" است و برای هیچ
تغییر مهمی و چیزی جز اصلاحات ناروین و محدودی آمادہ نیست! مادر
مجموع بغلتن ناتوانی خود در مقابل جنبشهای دهقانی، تشتت درونی
و اوضاع سیاسی جاری بحالت انفعال افتاده است.

"ادامه دارد"

■ - همان اصلاحاتی که بعنوان تجدید نظریه آن اشاره شد.

توده ها به راه حقیقی انقلاب آورده
است. لایها با کلمات واقعیت را آنگو
نه که میخواهد با زما زی میکند. اما
وقتی ما مثل یک دانش آموز میپیر-
سیم: با این همه همیشه باید کلمه را
معنایی باشد. مفید و مفلس -
"س.ج." پاسخ میدهد: "مسلم است! اما
نباید خویش را بیش از اندازه مشو
ش ساخت. در هر جا مفهومی نبود،
میتوان به تناسب مقاله به کلمه ای
مناسب تمسک جست، به وسیله کلمات
به آسانی وثابستگی میتوان جدل
کرد و با کلمات میتوان دستگاهی
ساخت. کلمات به سهولت تلقین
عقیده میکنند و نباید یک نقطه آسرا
نیز حذف کرد.

(نقل از فاست - اثر کوتاه - ترجمه
فارسی ص ۱۹۴)

"آری از کلمات میتوان
ان دستگاهی ساخت. اما این دستگاه
مارکسیسم نیست! این دستگاه که
همه معیارها را از گونه میسازد و
واقعیت را در دستگاهی غیر مارک-
سیستی آنچنان جلوه میدهد که "ما-
رکسیسم" به دشمن "انقلاب" و متحد
هیات حاکمه ضد خلقی یا جناحی از آن
مبدل میشود نام دیگری دارد. رو-
ییزیونیم، نام برازنده آنست.
چنین دستگاهی نمیتواند عمر
زیادی بکشد. کلمات را واقعیت
بر خلاف نظر مفیستوفلس نابود
خواهند کرد، مگر شیطان آنها را
حفظ کند!"

مشاجره...

کمونیستها دارند، (بخوان در برابر توده ها) بلکه بر اساس ضدیتی که با سرمایه انحصاری دارند، انتخاب میکند. در چارچوب این تفکر خورده بورژوازی ارتجاعی (بخوان خرد به همان اندازه انقلابی است که خرد بورژوازی انقلابی، انقلابی است. زیرا هر دو در هر حال با بورژوازی بزرگ میسوزند. هر دو ضد سرمایه انحصار هستند. هر دو ضد سلطه امپریالیسم هستند منتهی یکی شکوشت جریخ تاریخ را به عقب بازگرداند، دیگری دزجهت حرکت تاریخ گام آیدارد "حزب توده" این دو جهانب را یکی میبیند "گار" ۵۶ - ۱۰ هیچ معلوم نیست مخاطب کار ۵۶. کار ۵۹ است کار ۶۳ است یا حزب توده!

آنچه "گار" حتی خود گفته است هم در اینجا نقش میکند. آنها سؤال میکنند خرد بورژوازی حاکم با امپریالیسم عمدتاً در وحدت است یا تضاد؟ آنها نمیپرسند خرد بورژوازی حاکم با سیستم حاکم کنونی، با کارگران توده دهقانان و زمینداران و خلاصه با انقلاب عمدتاً در تضاد است یا وحدت؟ آنها سؤال دیگری را مطرح میکنند که طرح آن برای تعیین ماهیت هیات حاکمه انحرافی است و جوابی را مطلبند که اگر چه آنها هم روشن است اما چیزی را برای ما ست نمیدهد.

"س. ج." میدانند که "نه ارتش، نه شهر باقی، نه ژاندارمری هیچکدام بدون فرمان خرد بورژوازی حاکم حق شلیک ندارند. کار ۶۳ "اما فراموشکارانه نمیدانند "حق شلیک" در چه مینه ای، علیه چه کسانی به همین ارگانشاد داده شده است. عمدتاً علیه امپریالیسم سرمایه توده ها؟ اینرا هم "س. ج." جواب نمیدهد. زیرا: خرد بورژوازی که پرولتاریا نیست؟

بدینسان "س. ج." دوستان و دشمنان خلق را برخلاف مریخ ترین معیارهای مارکسیسم تنها و تنها بر اساس ضدیت با امپریالیسم تعیین میکند. و همه آنها را حتی خود زمانی در کار ۵۶ "طرح کرده است بکنار زمینند. از زیر پایشان سوا لات شان خالی میکنند و میترسد بخاطر بیاورد که روزگاری (به اندازه ۹ تشریف هفتگی) خرد بورژوازی حاکم را "مخاطبه کار" بلکه بالاتر از آن

ارتجاعی "ارزیابی کرده است.

"س. ج." میگوید: "با همین واقعیات اثبات نمیکند که قدرت واقعی چقدر سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نیست؟" ۶۳

در این عبارت در عین حال که "س. ج." موقعیت خرد بورژوازی حاکم را طوری جلوه میدهد که گویی بورژوازی بطور کلی از هیات حاکمه رخت پر بسته است، اما با سؤال حقیقی را که اقلیت از اکثریت دارد سؤالی را که هر مارکسیست باید در برابر خود بگذارد آگاهانه (البته اکنون باید گفت آگاهانه، زیرا یک تئورسین، کار ۳۲ را نوشته است که لا اقل میدانند در سیاست چه سؤالاتی اساسی هستند!) کنار میگذارد: این قدرت واقعی (که س. ج. میگوید در دست خرد بورژوازی است و البته چنین است) چه میکند؟

در بلوک سیاسی حاکم قدرت به میزان سرمایه داری در دست خرد بورژوازی است و همزونی بلوک سیاسی را بعهده دارد. اما اصلی ترین مشخصه این بلوک، چیزی نیست مگر جلوگیری از ادامه انقلاب "س. ج." میگوید: ببینید! نگاه کنید! داکا - های انقلاب، پاسداران، کمیته های اتوریته برارتن، انجمن های اسلامی و... در دست کیست؟ ما میگوییم: آقایان این کافی نیست ببینید! ارگانها چه کسانی را سرکوب میکنند؟ این ها ارگان اعمال قهر علیه چه کسانی و ارگان حفظ چروا بطبی هستند؟ اگر خرد بورژوازی حاکم، طبقه حاکم اقتصادی جامعه ما نیست، اما از لحاظ سیاسی چه میکند؟ چروا بطی را نجات میدهد؟ خلاف آن با سرمایه انحصاری از چه موضعی است؟ این خرد بورژوازی حاکم طبقه مسلط اقتصادی نیست، ابتدا به معنی نفی حاکمیت سرمایه داری وابسته میباشد. و هر کس به کلمه مارکسیسم بداند نمیتواند اینرا بفهمد.

بر این دو نتیجه اساسی که ما در اینجا از برخورد (کار - ۶۳) میگیریم، قرار از تحلیل خرد بورژوازی حاکم از لحاظ ماهیت آن و ضدیت آن با انقلاب و بقول کار ۵۶ - "کمونیستها!" دوم ارائه میسازیم. جدید برای پیدا کردن دوستان و دشمنان خلق که همانا ضدیت با سرمایه انحصاری است بی تو چه به آنکه حامل این تضاد به فکر منافع آتی خویش است یا منافع

آتی خویش! نتیجه بلافاصله دو فرض فوق این خواهد بود که هیات حاکمه بهشتا خلقی است و... .

رویزیونیستها همیشه در رون حکومت دنبال چیزی میگردند، تا منافع کارگران و زمینداران را با آنکه به آن لگد مال کنند. و هرگز چنگاهی به یک عملکرد خاصیت از هیات حاکمه یا جناحی از آن متوسل میشوند، تا فقط فقط "امپریالیسم" را فداای منافع خویش نمایند. وقتی رویزیونیستها اصرار میکنند که هیات حاکمه جناحی خرد بورژوازی دارد که چنین است و چنان، دروا - بلکه میخواهند ماهیت خود را نشان دهند و راهی بیابند تا در پناه آن بهر طریق مبارزه انقلابی بر علیه روابط موجود برای تکامل و پیشرفت حقیقی را ترک گویند.

جناح خرد بورژوازی حاکم، بجای تفسیر انقلابی اوضاع اقتصادی - سیاسی، چه از لحاظ ارضی، و چه از لحاظ تولید منفی،... و حقوق دمکراتیک توده ها، دست به احیاء و احداث اختلال در وضعیت سیستم زده است. اختلالی که وجهه موازی آن ضدیت کامل با توده های انقلابی میباشد. بعضی ها کمان میکنند برای حفظ روابط موجود یا لا اقل ضدیت با انقلاب، با سرپرده امپریالیسم بود. آنها برخلاف ادعاهای خود مبنی بر معیار نبودن "مبارزه بر علیه سرمایه انحصاری، در تعیین نیروهای انقلاب به همین ورطه درمی غلطند و با ارائه پیش فرض غیر مارکسیستی توضیح حکومت در ارتباط با مفاهیم "وابستگی" یا "استقلال" در حقیقت بردرک طبقاتی و مادی تاریخ خط بطلان میکشند. و مرزهای انقلاب و ضد انقلاب را آگاهانه مخدوش میکنند.

۲. همزونی در مبارزه ضد امپریالیستی

کمونیستها به مسئله رهبری جنبش توده ای همیشه با دقت پاسخ میدهند. این پاسخ از این لحاظ که خط سیر حرکت انقلابی را توضیح میدهد و همینطور مکان پیگیری، یا تزلزل در رهبری را از قبل معلوم میکند، حائز اهمیت است. در جنبش انقلابی هرگاه پرولتاریا نتوانسته باشد سازمان انقلابی تاریخی خود را بسازد، از طریق مبارزاتش در راه جنبش بطور عملی قرار نگرفته باشد و بر تافته خود را میان میلیونها

کارگر و توده های زمینکش تبلیغ نکرده باشد، رهبری جنبش بدست نیروهای غیر پرولتاریا خواهد افتاد.

در این وضعیت جنبش نفی نمیشود، بلکه دچار تزلزلات و نوساناتی میگردد که آنرا به انحراف و یا به شکست میکشاند و یک نمونه بسیار از آنرا ما در جنبش انقلابی ۷ - ۵۶ قیام بهمن ماه دیدیم. طبیعی است که در اینجا هم تنها از روی برنامه و مسائل انقلاب و خط سیر مبارزه طبقاتی میتوان گفت همزونی جنبش بکدام سمت میرود. و با اصولاً انحراف آن چیست. کمونیستها پیوسته سعی میکنند با شکل پرولتاریا، با ایجاد حزب پرولتری از طریق پیوند سوسیالیسم علمی با مبارزات طبقه کارگر و حضور فعال در جنبش دمکراتیک همزونی آنرا بدست گیرند. راه کسب همزونی پرولتاریا، گسترش مبارزه پرولتاریا و تشکیل و هدایت آن توسط کمونیستها و حفظ صف مستقل پرولتری از طریق حزب طبقه کارگر است. بجای این جنبش انقلابی به مجرای انحراف و شکست نهایی کشیده میشود.

نیروی که همزونی مبارزه توده ها را در دست دارد، خود باید جزئی از نیروی انقلاب باشد. چه با در مبارزه توده ها نیرویی ضد انقلابی بتواند با اعمال رهبری خود بر آن، آنرا با انحراف و شکست همراه سازد و به خیانت کشاند. چه با هیات حاکمه سعی میکنند با سوار شدن بر جنبش انقلابی، آنرا از زور در رویی با خود، بدور در رویی با جنبه های فرعی، جزئی و انحرافی بکشاند. بنابراین ماهیت نیرویی که رهبری با اعمال قدرت بر جنبش را در دست دارد حائز اهمیت است.

خلاصه کلام با دیدید:

اولاً: در جنبش انقلابی چه چیزی باید منهدم شود، ثانیاً: نیروهای محرکه انقلاب چه کسانی هستند، ثالثاً: کسانی که کوشش میکنند

جنبش را زیر سلطه خود بگیرند چه کسانی هستند و چه میکنند.

اگر توجه کنیم که مبارزه توده های مردم متوجه استقرار حکومت انقلابی و نابودی سرمایه داری وابسته است.

توجه کنیم به اینکه در انقلاب ما نیروهای محرکه، طبقه کارگر و توده های دهقانان و خرد بورژوازی شهری (و نه اقشار بالای

بقیه از صفحه ۱۰

مشاجره...

در مقاله مشهور خود "پیرامون شعار اساسی مرگ بر..." راجع به خرده بورژوازی در عصر ما سخن میگوید، مینویسد:

"در قرن بیستم کسی که سمت گیری سوسیالیستی را انکار کند - مکررات انقلابی نیست. در این عرصه پیکار جهانی کسی دمکرات انقلابی است که از اتحاد با کمونیستها نهرا سد او از آن استقبال کند. "نه شرقی، نه غربی" نه تنها از اتحاد با کمونیستها و کام گذاشتن در راه سوسیالیسم متر سدی که از سرمایه انحصاری هراس دارد" کار ۵۶ ص ۱۰

اما اگر چنانچه جناحی از خرده بورژوازی که در حاکمیت است نه تنها خصومت فوق را نداشت بلکه به سرکوب کمونیستها، سرکوب کارگران دهقانان و سایر حشمتگان، و حتی سرکوب نیروهای دمکرات پرداخت آنوقت ماهیت آن چیست؟ آیا باید با عبارت کلی خرده بورژوازی پرو - لتاریا نیست از شراین سوال رها شد.

ترساندن دیگران که: (ا) پورتو نیمس چپ همواره سعی میکند متحدین پرتولتاریا را در جنبش ضد امپریالیستی از پرتولتاریا جدا سازد و آنان را به مبارزه با پرتولتاریا ابتدا تا شیری در پس گرفتن سوال ما ندارد. مگر خود "س.ج." نیست که در کار ۵۶ در دنباله نقل قول بالامیگوید: "ولی "حزب توده" این بینش را دمکرات انقلابی میدانند و رزمیمی را که میگوید پدید آوردند مکراسی

انقلابی می شمارد". ۵۶ - ص ۱۰ "حزب توده" چون تدارک بسیج سوسیالیستی را به ما به وظیفه - اساسی پیشر پرتولتاریا نمیداند بسیار طبیعی است که متحدین خود را نیز نه بر اساس موضعی که در برابر کمونیستها (بخوان طبقه کارگر و سبغو ان توده های انقلابی ۰۰۰) بلکه بر اساس ضدیتی که با سرمایه - انحصاری دارند، انقلاب میکند "کار ۵۶ - ص ۱۰

اگر چنین است و اگر نیروهای انقلابی و دمکرات را بر اساس - "در مورد سیستم نظری" س.ج. در کار ۵۶ در آینه سخن خواهیم گفت. توجه خواننده را در این نقل قولها همه جا به تعریف خرده بورژوازی دمکرات یا دمکرات انقلابی جلب میکنیم.

موضع آنان در قبال مناسبات موجود و توده های انقلابی و انقلاب با پید شاخت، آنگاه دیگر، اپورتو - نیمس چپ نه، بلکه اپورتونیمس راست است که در اینجا باید از آن اجتراز کرد.

اپورتونیمس راست با مقایسه دائمی پرتولتاریا با خرده بورژوازی و اظهار دانشمندانه "خرده بورژوازی، پرتولتاریا نیست" به ورطه، بازی با جناحی از خرده بورژوازی در میغلطد که در صف انقلاب قرار ندارد. و در صف - انقلاب است. آری! خرده بورژوازی، پرتولتاریا نیست. اما با پید - بلافاصله گفت نیرویی، جناحی از خرده بورژوازی در حاکمیت که بر علیه منافع و مصالح خلق حرکت میکند، نه تنها پرتولتاریا نیست، و خرده بورژوازی است، بلکه ضد انقلاب است. خرده بورژوازی محافظه کار و مرجع به حفظ هستی اجتماعی خود مشغول میباشد. تنها نکته در همین جاست. اگر "س.ج." حافظه خود را بکار بیا ندازد و به پدید آوردن که تنها در "شماره قبل" کار "چه گفته است" نگاه میفهمد که ما چه میگوئیم. "س.ج." در تو - ضیح ماهیت تاریخی خرده بورژوازی حاکم ضمن آنکه اپورتونیمس راست (ونه چپ) را مورد حمله شدید قرار میدهد میگوید:

"یکی میکوشد چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند. و دیگری در جهت حرکت تاریخ کامیاب میگردد. حزب توده، این دو جریان را یکی میبیند (امروزه خودی) نیز همینطور می بیند! (دو جریانی که یکی بر "موهوم پرستی" متکی است و دیگری به "روشنگری" یکی میکوشد خود را از هستی اجتماعی محدود به سرمایه خرده برهانند و دیگری میکوشد آنرا تثبیت کند... ۱۰ - ص ۵۶

این همان چیزی است که کار ۵۶ از آن ظفره میبرد. بلوک سیاسی حاکم، خرده بورژوازی را در خود ندارد. اما خرده بورژوازی محافظه کار و "از آنهم بالاتر مرتجع را" خرده بورژوازی ای که جلورج تاریخ یعنی مبارزه توده ها در نابودی سیستم سرمایه داری وابسته استاده است. کار "۶۳" پدیدیهات "کار ۵۶" را لگدمال میکند و به این سوال جواب نمیدهد که ماهیت این هیات حاکمه و این جناح خرده بورژوازی چیست؟ آیا میتوان گفت خرده بورژوازی دمکرات در قدرت سیاسی است؟ یا نه؟

اما اگر حتی "کار" به معیارهای خودش پای بندها شد پاسخ روشن است: "تنها گذاران سوسیالیسم علمی در ۱۴ سال قبل به روشنی فرق بین خرده بورژوازی انقلابی و محافظه کار بلکه از آنهم بالاتر مرتجع را نشان دادند. آنها فرق نیروهای را که میکوشند چرخ تاریخ را به جلو بگردانند و آنان که از مصالح آنی خویش دفاع میکنند را به روشنی ترسیم کرده اند. آنها نشان داده اند که خرده بورژوازی آنگاه که از موضع تثبیت سرمایه خود به مقابله با بورژوازی برمیخیزد - دیسک نیروی محافظه کار است و تنها آنگاه که از منافع آنی دفاع نمیکند بلکه از منافع آنی خود مدافع میگردند یک نیروی انقلابی به حساب خواهد آمد. حزب توده تفاوت میان این دو نگرش را الیوشانی میکند." کار ۵۶ - ص ۱۰

"س.ج." نیز همین کار را میکند آنها خواننده را از اپورتونیمس چپ میهراسانند تا با اپورتونیمس راست از خرده بورژوازی حاکم "محافظه کار بلکه از آنهم بالاتر ارتجاعی" و با دقتی ترسانند انقلابی مدافع کنند. آنها نه تنها "تفاوت میان ایندو" را الیوشالی میکنند بلکه معیار خود را بطور کلی سیستم مقایسه با پرتولتاریا قرار میدهند. و بدینوسیله ما به نامی گویند با لایحه خرده بورژوازی حاکم از منافع "آنی" خود دفاع میکنند یا "آنی" خود، بیان "روشنگری" خرده بورژوازی است یا "موهوم پرستی" آن بیانگر - Gevennes معارضا است - Vendeë معارضا؟! "س.ج." در همین جاست که "کار ۶۳ به

ضرای کربلا میزند. همان ضرای کربلایی که در کار ۵۶ "حزب توده" را با طرز دهن به آن "اپورتونیمس راست" میخواند! اگر لحظه ای در - ولین عبارت نقل شده از کار ۵۶ دقت کنیم میبینیم که از جنبش ضد امپریالیستی سخن میگوید و این همان جنبه از ثنوری "س.ج." است که پیوسته توجه کمونیستها را تنها از آن جهت بدان جلب میکند که پرده ما تر بر ثنوری مارکسیسم در پیرامون طبقات و مبارزه طبقاتی بیندازد. حالا که خرده بورژوازی حاکم باید بطریقی نجات یابد.

چهاراهی بهتر از این که آنرا - اشاره به توصیف مارکس از دهقانان خرده مالک فرانسه و تطبیق آنها با انقلابی و محافظه کار رجوع کنید به ۱۸ برومر.

انقلابی جلوه دهیم. ببینید: "رفقا (منظور اقلیت است) حاضر نیستند به این سوال پاسخ دهند که سرمایه با داران و دادگاههای انقلاب و همچنین جریان های موسوم به خط امام جنبه تضادشان با امپریالیسم عمده است یا جنبه وحدتشان؟" همانجا - کار ۶۳

ما میگوئیم هیات حاکمه و در آن خرده بورژوازی حاکم بر ضد انقلاب منافع توده ها و مصالح کارگران و زحمتکشان حرکت میکند. اگر اینها نیروهای محرکه انقلاب ما هستند، و تجلی انقلاب و تداوم آن میباشد. واضح است که مبارزه بر علیه اینها، مبارزه بر علیه انقلاب است. معیار

ما مبارزه طبقاتی و تلاش در جهت اضمحلال سیستم حاکم است. معیار "س.ج." به یکباره در میان دعوا تعیین میگردد. آنها انقلاب را ضد امپریالیستی و هرنیروی را به صرف داشتن تضاد دجیبی با امپریالیسم انقلابی به حساب میآورند. معیار کار ۶۳ جنبه وحدت و تضاد (که بعد خواهیم دید هر چند ضعیف، ناپیگیر و به اندازه سرسوزنی باشد) با امپریالیسم است. آنها به مبارزه ات و تضادهای نسبی، جزیی، غیر اصلی خرده بورژوازی حاکم میچسبند. و آنرا "انقلابی" ارزیابی میکنند.

ما تلاش همه جا نه آنرا در حفظ هستی خویش، "سیستم، گشتا و سرکوب توده ها نشان میدهم، ضدیت آنرا با انقلاب نشان میدهم، و آنرا ضد انقلاب بی ارزیابی میکنیم. ما مبارزه امپریالیستی و ضد سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم توده ها را می بینیم و "س.ج." تضادهای نسبی خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم را می بیند. ما به با شین، به توده ها نگاه میکنیم و به مبارزه طبقاتی تکیه میکنیم، آنها به با لایه هیات حاکمه و به مبارزه درون هیات حاکمه، آیا (کار ۶۳) این سخنان کار ۵۶ را که در مورد همین خرده بورژوازی آورده، و تاکید کرده است که نباید تضاد نسبی با امپریالیسم و سرمایه انحصاری را مبنا، تحلیل قرار داد بخاطر می آورد:

"حزب توده، خطت ضد انحصار را ملاک تعیین دوستان و دشمنان خلق قرار میدهد" کار ۵۶ - ص ۱۰ "حزب توده" چون تدارک بسیج سوسیالیستی را به ما به وظیفه اساسی پیشر پرتولتاریا نمیداند بسیار طبیعی است که متحدین خود را نه بر اساس موضعی که در برابر

بقیه در صفحه ۸

«بورژ» - بقیه از صفحه ۱

وازی میبایستی از آن را در بر میگرفت. طبعاً برای آن دسته از اقتصاد گرایان ما، که نمیتوانستند بفهمند از لحاظ تاریخی درجا معه ما بورژوازی طبقه ای است که لیه اصلی انقلاب به آن معطوف میگردد، او - ضاع سیاسی بیشتر صحت و عمق قضیه را نشان داد.

بورژوازی لیبرال به نیروی نمايشگر کلیت طبقه در حاکمیت مبدل شد، و تحولات سیاسی ناشی از قیام ۵۷ تکلیف ترا با انقلاب ما یکسر نمود. با قضیه هنوز این نیست، بالاخره باید این مسئله را روشن کرد که با توجه به این هیات حاکمه و تحولاتی که از لحاظ مبارزه طبقاتی در طی یکسال و چند ماه پس از قیام بوجود آمده است، ما چگونه باید به صف بندی طبقاتی برخورد کنیم؟ حقیقت آنست که پاسخ به این سؤال بمعنای مشخص کردن نیروهای محرکه انقلاب در ایران است.

شاید خواننده ما گمان میکند با روشن شدن تکلیف بورژوازی در ایران، جواب مسئله داده شده است. اما هر آینه ما تا این حد ساده به این مسئله که بواسطه پیچیدگی خود تمام جنبش ما را دچار سردرگمی نموده، جواب بدهیم، بیم آن می رود که اساساً تئوریک هم نگردد با شیوه هیات حاکمه کنونی بلوک است که بخشی از آن را بورژوازی تشکیل میدهد، بخش دیگر و مسلط آن خرده بورژوازی مرفه ستی است. اگر در مورد بورژوازی قضیه تا آن اندازه از لحاظ عینیات غیر قابل انکار روشن گردیده در مورد دومی ابداً اینطور نیست. آیا ما شاهدان نیستیم که همه سازمانهای کمونیستی برای موضع گیری در برابر حکومت چه بلایی بر سر ترکیب آن می آورند، تا ترکیب مطلوبشان به برای نیروهای محرکه انقلاب در هم نریزد؟ آیا شاهدان نیستیم که بخاطر موضع گیری در برابر حاکمیت موجود هر کس به طریقی خرده بورژوازی حاکم را از حاکمیت خارج میکند تا بتواند ندر احوالی در برابر بورژوازی موضع گیری کند؟ آیا اینک به انواع مقولات گوناگون در مارکسیسم تمسک میشود، مقوله سازی میشود، جفت واره های - برای آن دسته از کسانی که از "طبقه بورژوازی" یا "کلیت طبقه" در هر استدوهمیه میکنیم با هم به دربارها شعار رجوع کنند.

مشاجره اصلی.

جدیدی از قبیل خلق و ضد خلق نشود - بزه میشود، فقط و فقط به خاطر اینکه کمونیست ما میترسد و یا اینکه دلش نمیخواهد و یا لا اقل اعتقادات مذهبی او نسبت به خرده بورژوازی به او اجازه نمیدهد در برابرش موضع بگیرد.

لب کلام آنها اینست: اول خرده بورژوازی حاکم را (به هر ترتیب) از حاکمیت خارج کنید، و به این جناح نام و نشان دیگری بدهید (از قبیل کاست حکومتی، بخش پاشین بورژوازی ملی یا بخش متوسط آن، نیروی ضد انقلابی، خوشبختانه خلقی، نیرویی که دیاعت ۱۲ اردو ۲۲ بهمن ۵۷ بعثت آنکه پسا در حکومت گذاشت به بورژوازی تیدیل شد، گروگانهای بورژوازی لیبرال و قس علیهذا...) آنگاه ما میمانیم و بورژوازی. مسئله به حد کافی ساده میشود: تا آن حد که یک محصل دوم دبستان هم مطابق رابطه $2 \times 2 = 4$ بتواند نتیجه گیری کند.

اما آنجا که پذیرفته میشود بلوک سیاسی حاکم از دو جناح خرده بورژوازی مرفه ستی و بورژوازی لیبرال تشکیل شده، اوضاع بدتر است. اگر گرایش و جریان اول خرده بورژوازی را کلاً از حکومت اخراج میکند، فقط به خاطر بدست آوردن شجاعت کافی برای انتصاف ضد انقلابی به هیات حاکمه است. بنا به گرایش دوم اگر خرده بورژوازی در حاکمیت است، آنگاه دیگر شجاعت فوق، با تامل و با اعلام - هیبت دوگانه و یا "تقسیم جناحها بر حسب خلق و ضد خلق" همراه خواهد شد. به مجرد آنکه خرده بورژوازی در حاکمیت باشد، حاکمیت بعضاً خلقی است. روی دیگر همان سکه اول، گرایش دوم درست از همین جاست که آغاز میگردد.

انتقادی که کار ۳۶ به اقلیت "س.ج." مینماید، دقیقاً از چنین موضعی است. اساس و محور اصلی انتقاد در این خلاصه شده است که بقول (س.ج. کار ۶۳ اکثریت) اقلیت نمیدانند هیات حاکمه از دو جناح خرده بورژوازی و بورژوازی تشکیل شده است. کار ۶۳ دست به انتقادی

میزند که در ذات خود، از طرح مسئله اصلی میگریزد. اقلیت در برابر حاکمیت کنونی موضعی انقلابی اتخاذ کرده و آنرا بدستی حاکمیت ضد انقلاب ارزیابی میکند. در این مورد که وارد بندوبست و یا هر گونه معامله ای بر سر جنبش انقلابی بی با آن نیاید شده خود تردیدی راه نمیدهد و اتکای خود را به جنبش به توده های انقلابی مینهد نه بر هیات حاکمه. اختلافی که کار ۳۶ را سرسری عیا اقلیت از آن سخن میگوید و تلاش میکند اساس انتقاد را به لای زور و کلمات بیچند در پیزد دیگری است.

سوالی که طرح نمیشود!

کار ۳۶ در مقاله "نظری بر پیش داوری منشعبین" میگوید هیات حاکمه کنونی از دو جناح تشکیل شده است: بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی سنتی. "کار" برای اینکه نظر خود را پیرامون این بلوک و واقعیت عینی اش توضیح دهد، یک سلسله دلایل را ردیف میکند که بخوبی خود اشکالی بر آنها وارد نیست. تا اینجا "تنها تحلیلی از ترکیب" هیات حاکمه بعمل آمده است.

اما ما میدانیم که برای کمونیستها این نه فقط درک قانونمند و تحلیلی است که اهمیت دارد، این کار نیست که رویز بیونیستها بورژوازی و هیات حاکمه کنونی نیز به آن دست میزند. آنها هم بخوبی واقفند که یک بلوک بورژوازی - خرده بورژوازی هستند. آنها آگاهان و ناخود آگاه علیه یکدیگر از همین مواضع طبقاتی توطئه میکنند. و هر یک از آنان با فکر قبضه قدرت و با تحکیم بیشتر موقعیت خویش است. برای کمونیستها، بر اساس تحلیل شرایط عینی، تعیین ماهیت حکومت و تعیین نیروهای محرکه انقلاب، صفت بندی طبقاتی و گسترش و تدوین انقلاب یعنی خلاصه کلام نه فقط تفسیر دنیا که تغییر انقلابی آن مهم است.

کار اکثریت میگوید که ما نباید درباره ترکیب بلوک سیاسی حاکم دچار این خطا شویم که آنرا بطور

کامل بورژوازی بدانیم. بلکه باید آنرا بطور صحیح ارزیابی کنیم. و با ارائه دلایل گوناگون ترک بورژوا - خرده بورژوازی بلوک سیاسی حاکم را توضیح دهیم. اما استدلال بعدی (کار ۶۳ - اکثریت)، همان چیز است که ما آنرا قیاساً از تحلیل و تفسیر واقعیت بطور کامل و گام برداشتن در جهت تغییر آن مینامیم. آیا تعیین ماهیت هیات حاکمه فقط نشان دادن ترکیب است؟ البته نه. کافی نیست که ما بدانیم این بلوک از چه طبقاتی تشکیل شده، باید اساسی ترین خصوصیت مشترک این بلوک، ماهیت آنرا نیز تعیین کنیم. تنها آنوقت است که ما میتوانیم بگوئیم قادریم به حکومت برخورد نماییم.

کار ۶۳ میگوید: "فقط (اقلیت منظور است) برای اثبات پیش خودناچار خرده بورژوازی را با پرولتاریا یکی بگیرند و هر کس را که مثل پرولتاریا نباشد، دشمن پرولتاریا و از آنها بالاتر دشمن خلق معرفی کنند" این استدلال شگفت انگیز البته غلط نیست. اما تنها از آن جهت که برای خواننده روشن نمیکند بهر حال چه معیاری برای (دشمنی با خلق) وجود دارد و خود این "خلق" کیست یا مهارت نوشته شده است. هیچ کمونیستی از خرده بورژوازی انتظار یکسان بودن با پرولتاریا را ندارد. ولی در عین حال هیچ کمونیستی پای خود را در هوا برنمیخیزد. خرده بورژوازی "انقلابی و دمکرات" مشخصاتی دارد. ذکر ما به این که خرده بورژوازی پرولتاریا نیست، وظیفه ما را در تحلیل مشخص خرده بورژوازی کمتر نمیکند. اگر خرده بورژوازی یا جناحی از آن انقلابی و دمکرات باشد رای خاصی است که در عین تمایز از پرولتاریا از ضد انقلاب نیز متمایزند. اگر خرده بورژوازی یا جناحی از آن، بطور عینی در برابر حرکت تاریخ، بر ضد کارگران و خرده بورژوازی انقلابی، عمل کند و کمربند را به حفظ مناسباتی بیند که سمت و سوی حرکت توده ها را نهاد آن است، دیگر این خرده بورژوازی را نمیتوان تنها به صرف پرولتاریا نبودن، نیروی انقلاب بداندست، هیچ، که نیروی ضد انقلابی و بر علیه مبارزات انقلابی بی توده هاست. خود "س.ج." در شماره ۶۵ هنگامیکه راجع به حزب توده بقیه در صفحه ۹

ضمیمه سیاسی خبری 'رزمندگان' ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۳ تیر ۱۳۵۹ تک شماره ۱۵ روال شماره ۲۱

پیک رزمندگان

دکه داران:

شما بساط ما را جمع کنید، ما هم بساط شما را...!

گزارشی از مبارزه دکه داران زحمتکش تهران در مقابل یورش حکومت!

بار دیگر، گازهای اشک	فرستی برای مقابله با	هراسان از تهدیدهای فاشیستی
آوزا سرائیلی و تیربارهای	زحمتکشان در نمیگذرد، این	حکومت و مقاومت از اراده را
آمریکایی برای سرکوب	با ریز فاجعه آفرید، اعلامیه ها	سخی که آنها را برای مقاومت
زحمتکشان بکار گرفته شد.	ی تهدید آمیز، یکی پس از	در مقابل این زورگویی ها
رژیم جمهوری اسلامی که بقصد	دیگری صادر شدند، صبح پنج	همچون تن واحدی در آورده بود
حفظ منافع "سرمایه"، از هیچ	شنبه نوزدهم تیر، دکه داران،	بقیه در صفحه ۴

کودتای ارتش جمهوری اسلامی نشان داد که

کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند

ماهیهای متوالی است که	آنها قرارداد ارتشی که	می آمریکا و اسرائیل است
کمونیست ها فریاد میزنند:!	دستش به خون توده های میهن	حمیت تواند "برادر" ما باشد و
تشی که برا حفظ منافع رژیم	ما و خلقهای منطقه از جمله	رهبران حکومت، در مقابل اصر
سرمایه داری وابسته بوجو د	خلق ظفار آلوده است، ارتشی	اردارند که: ارتش اسلامی شده
آمده مقابل توده ها و مبارزات	که دست پرورده، مستشاران نظا	بقیه در صفحه ۱۱

به مناسبت سی تیر

زحمتکشان تاریخ سازند!

در صفحه ۳

در صفحات دیگر میخوانید:

• کمیته مرکزی سازمان چریکها: آموزش به توده ها برای مقابله با گرانی یا رهنمود به حکومت

• مرگ ابراهیم غلامی

• ننگ جمهوری اسلامی!

• اخبار کارگری

• اخبار کردستان قهرمان

• اخبار کوتاه

و...و...

بارشد آگاهی و گسترش

مبارزات کارگران:

انجمن اسلامی

کارخانه ها رسوای

می شوند

رژیم جمهوری اسلامی

برای پیشبرد مقاصد و منافع

خود در کارخانه ها و جلوگیری

از آگاه شدن کارگران و سرکوب

مبارزات آنها به دوشیوه

سرکوب و فریب دادن و تحمیق

کردن میپردازد.

در آنجایی که توده های

بقیه در صفحه ۶

درباره

کودتا

و زمینه های آن

در ۳ - ۴ ماه گذشته

بنابا ادعای رژیم چندین

کودتا کشف شده آخرین آن در

همین هفته پیش بوده و رژیم

جمهوری اسلامی سروصدای بسیا

ری بر سر آن برآه انداخت.

هیات حاکمه مردم را به شکر

گذاری از شکست کودتا فرا

خواند و بنی صدر و لیبرالها

کودتا و زمینه آن را به حزب

جمهوری اسلامی و آیت نسبت

دادند و حزب جمهوری اسلامی

وهاشمی رفسنجانی "ملی گر-

اها" و جبهه ملی را عامل کودتا

معرفی کردند تا با استفاده

از این جریان موقعیت خود را

در حکومت تحکیم بخشند و با

دستان باز تری به سرکوب نیرو-

های خلق بپردازند.

کودتا به دست چه کسانی و

چرا انجام گرفت؟

کودتا جزیی از توطئه

امپریالیسم و عوامل مزدوران

در ارتش و حکومت برای

برقراری شرایطی است که در

آن امپریالیسم بتواند منافع

خود را هر چه بیشتر تأمین

کند. اما علت اینکه امروز

کودتا چنان و مزدوران امپر-

یالیسم به این عمل دست

میزنند، آنست که انقلاب ایر-

بقیه در صفحه ۴

درباره کودتا...

اندوه گسترش است. خلق هلی قهرمان ایران روز به روز بیشتر درمی یابند که رژیم جمهوری اسلامی نه حامی منافع کارگران و زحمتکشان بلکه حافظ سود سرمایه سرمایه داران و نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است. توسعه انقلاب روز به روز توده ها را از هیات حاکمه دور و به نیروهای انقلابی و کمونیست نزدیکتر میکند و این خطری است برای ضد انقلاب چه حکومت جمهوری اسلامی و چه مزدوران و عوامل امپریالیسم. حکومت جمهوری اسلامی در مقابل با گسترش مبارزات توده ها به سرکوب آشکار، اعدامها، بمبارانها، و به جنایات وحشیانه توسط پاسداران و ارتش دست میزند و بختیارها، اوپسی ها و فرماندهان مزدور ارتش شاهنشاهی که جنایات و سرکوب های رژیم جمهوری اسلامی خیال آنها را برای حفظ منافع امپریالیسم و سرمایه داران راحت نمیکند در صدد قدرت گرفتن خودشان هستند. آنها از سویی از طریق رادیوها به جلب ناراضیان که روز به روز بر تعداد آنها افزوده میشود میپردازند و خود را حامی توده ها، طرفدار آزادی و آزادیخواه نشان میدهند و از سوی دیگر در ارتش اسلامی که به علت سیاستهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی بساز می شده و فرماندهان مزدوران ابقاء گردیده اند زمینه های کودتا و قدرت گرفتن ارتش و فرماندهان ارتشی را تدارک می بینند. در واقع این مزدوران امپری-

الیسم با حکومت جمهوری اسلامی در سرکوب نیروهای انقلابی، کمونیست ها و مبارزان کارگران و زحمتکشان هم نظرند اما آنچه که باعث میشود کودتا چنان حکومت جمهوری اسلامی را سرنوشت و حکومت فاشیستی خود را جایگزین آن کنند آنست که می بینند حکومت جمهوری اسلامی قادر به تامین منافع امپریالیسم و سرکوب کاملاً لازم مبارزات انقلابی توده ها نمیباشد چرا که توده ها روز به روز بیشتر به ماهیت رژیم پی برده و فریبکاری ها و سرکوب مبارزات مردم روز به روز کم اثر شده و هر مبارزه مبارزه جدیدی را دامن میزند. رژیم جمهوری اسلامی مبارزین و انقلابیون را اعدام میکند کارگران و زحمتکشان تظاهرات میکنند، نشریات کمونیستی را غیر قانونی میکند، مردم به پشتیبانی از دکاهای کتابفروشی بر می خیزند و به رود رویی با پاسداران می پردازند. خلق کرد را سرکوب میکند، مردم سا-یر نقاط با افشای جنایات رژیم در کردستان آگاه شده در مقابل آن قرار میگیرند. سرکوب مبارزات توده ها نوید بخش مبارزات جدیدی شده است و این آن چیزی است که ضد انقلاب سابق، ضد انقلابی را که مردم طی دو سال مبارزات خود سر دست آن ها یعنی شاه خائن را به زباله دان تاریخ سپرده اند، دوباره چون ماری زخم خورده سیر می آورد تا از این اوج گیری انقلاب برای خود قدرتی دست و پا کند و در این

راه جنایات و سرکوب آشکار رژیم جمهوری اسلامی مددکار آن است.

رژیم جمهوری اسلامی زمینه ساز کودتا است!

رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و عدم پاسخگویی به خواسته های آنان و دور کردن توده ها از سیاست، با حفظ و بازسازی ارتش ضد خلقی شاهنشاهی و با سعی و تلاش شبانه روزی در جدا کردن کمونیست ها و نیروهای انقلابی از توده ها خود زمینه ساز کودتا است. سرکوب مبارزات تا کسیرانان، زنان، دکه داران، اعدام های پی در پی و زورگوئیها و اختناق روز افزون در همین یکماه ها اخیر ناراضیانی توده ها را از جمهوری اسلامی با سرعت زیادی افزایش داده است. توده ها در ۱۸ ماه گذشته حکومت جمهوری اسلامی سرکوب و کشتار آشکار خلق کرد، کارگران بیکار، صیادان انزلی، خلق ترکمن را دیده و خود نیز در مبارزات روزانه خود همواره با حمایت رژیم و پاسداران از سرمایه داران و قدرتمندان روبرو بوده اند. افزایش زورگویی ها و جو اختناق و دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی در یک ماه اخیر به سرعت توده ها را به ناراضیانی و روگردانی از رژیم کشانده است.

اما حفظ و بازسازی ارتش که لازم حفظ سیستم سرمایه داری وابسته میباشد از یک سو و همچنین دروغ و نیرنگ های سازمان یافته و قبحانه رژیم جمهوری اسلامی در باره کمونیست ها و نیروهای انقلابی و عدم آگاهی بخشی

از توده ها موجب میگردد که آنها به همان سرعتی که از رژیم کشته میشوند به نیروهای انقلابی و کمونیست ها، این همسنگران و حامیان منافع خود نیویسته و خود ز مینه ای برای کودتای ارتش ضد خلقی گردند. اما امکان کودتا به معنای پیروزی آن نیست کودتا در ایران با شکست مواجه خواهد شد. زیرا خلق قهرمان ایران به مقابل با آن برخورد اهدا است. زیرا تمامی اقدامات ضد انقلابی حکومت برای خلع سلاح گروهها، تمام فریبکاریهای بنی صدر برای رای گرفتن از مردم که گروهها را خلع سلاح کنند به شکست منجر شد و این کمونیست ها و نیروهای انقلابی مسلحند و در پیشاپیش کارگران و زحمتکشان به مبارزه علیه مزدوران امپریالیسم خواهند پرداخت. زیرا توده ها ی آگاهی وجود دارند که به جای قبول فریبکاریهای بختار و مزدوران امپریالیسم همسنگران واقعی خود را یافته و تحت فرماندهی نیروهای انقلابی و کمونیست ها به مقابل با سرمایه داران و کودتاچیان این قلب پرطیش انقلاب که تجربه سالها مبارزه علیه رژیم شاه و ۱۸ ماه مقاومت مسلحانه در مقابل رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را داشته است، با این مزدوران نیز مقابل خواهد کرد.

زیرا پرسنل انقلابی ارتش که تجربه ۲ سال سرکوب مبارزات خلق قهرمان ایران را توسط رژیم شاه و ۱۸ ماه استقامت های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را در پیش چشم خود دارد به سرکوب و کشتار

بقیه در صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

تاریخ مبارزات قهرمانان خلقهای ایران وجهان تاریخ شکستها و پیروزیها است، تاریخ مبارزات متحد خلق و عقب زدن ارتجاع و امپریالیسم است و در همان حال تاریخ سرکوب و برقراری مجدد حاکمیت دشمنان خلقها بعلمت عدم آگاهی و تشکیلات خلق است. تاریخ مبارزات قهرمانان خلقهای جهان تاریخ تجارب گرانبهای کارگران و زحمتکشان است که صفحات آن از خون هزاران شهید رنگین شده است تجاربی از پیروزی و علل آن و شکست و چگونگی آن؛

قیام خونین سی تیر، یکی از این تجارب گرانبهاست تجربه ای که در آن خلق قهرمان ما با مبارزات پیگیرانه خود ارتجاع و امپریالیسم را برای مدت کوتاهی عقب راند ولی بعلمت فقدان تشکیلات آگاهی و نبود رهبری نیروهای کمونیست و انقلابی یکسال بعد از آن با کودتای امپریالیسم روبرو شد. قیام سی تیر برای طبقه کارگر ایران و جهان درسهای آموزنده ای به همراه دارد.

دکتر مصدق که به دنبال مبارزات کارگران و زحمتکشان

به مناسبت سال روز سی تیر:

زحمتکشان تاریخ سازند!

درباره تصدی وزارت جنگ و مخالفت شاه خائن با این درخواست مجبور به استعفا شد. مصدق میخواست با تصدی وزارت جنگ و در اختیار گرفتن ارتش به خیال خود فکرش را از جانب نیروهای مسلح و ارتش شاهنشاهی آسوده کند اما شاه در مقابل این خواست مقاومت کرد و این اختیارات به مصدق داده نشد و مصدق استعفا کرد.

شاه و مرتجعین که برای این مسئله از مدت قبل آماده بودند بلافاصله قوام را به نخست وزیری معرفی کردند. معرفی شدن قوام به نخست وزیری همان وریختن هزاران نفر از مردم شهر تهران به خیابانها همان. نخست وزیری قوام که در نوکری و سرپرستی به امپریالیسم شهره عام و خاص و از منفورترین چهره های رژیم شاه خائن بود، با مقامومت مردم روبرو شد مردم مصدق را حامی منافع خود میدانستند به هیچ وجه زیر بار

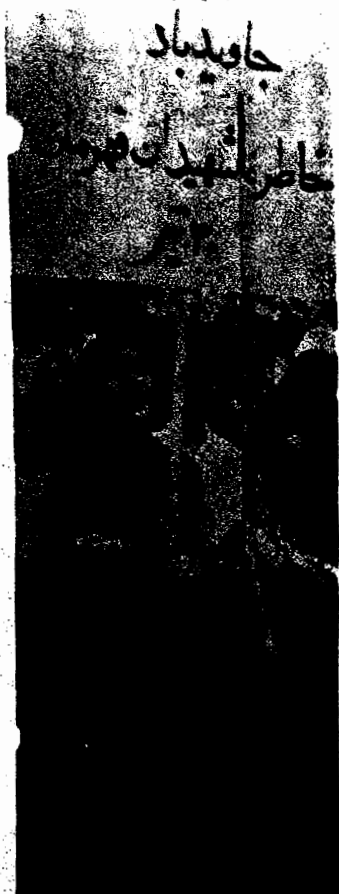
خیابانهای سیروس و بوذرجمهری و خیام و... شروع شد و به طرف توپخانه پیش رفت، مردم در هر کجا با سرنیزه سربازان و آتش گلوله آتش روبرو بودند، مدای تیراندازی تفنگ و مسلسل از هر گوشه شنیده میشد اما مردم قاطعانه پیش میآمدند تا خود را به مجلس شورا برسانند. در این تظاهرات مردم برای اولین بار شعارهای "مرک بر شاه" و "مرک بردار" میدادند و سر راه خود مجسمه های شاه را با آتش میکشیدند. بعد از ظهر زمره هایی شنیده شد که مردم میخواهند به کاخ شاه بروند.

ساعت سه بعد از ظهر، پس از یک روز مبارزات متحدانه مردم امپریالیسم و ارتجاع عقب نشینی کردند و مصدق به پشتوانه قدرت مردم بر سر کار آمد! قیام سی تیر پیروزی بزرگ خلقهای قهرمان ایران به ارمان آورد اما پیروزی مو

طبقاتی اش بود موجب شد که ۱۳ ماه بعد کودتای امپریالیستی و جنایتکارانه شاه خائن و آمریکا موفق شده و خلق قهرمان ما ۲۵ سال دیگر نیز زیر سلطه حکومت فاشیستی شاه قرار داشته باشد!

درسهای قیام سی تیر:

آنگاه که یک حکومت از پشتوانه توده ای برخوردار باشد هیچ قدرتی هیچ کودتا و سر



■ قیام سی تیر و کودتای ۲۸ مرداد با زهم به خلقهای قهرمان ایران نشان داد که بایدها به نیروی خود و به کسانی که بطور واقعی از توده ها و مبارزات آنها پشتیبانی میکنند، تکیه کرد. نشان داد که هر نیرو و حکومتی که مانع مسلح شدن توده ها مانع رشد نیروهای انقلابی و کمونیست و مانع ابتکارات توده ای و حضور آنها در صحنه سیاسی گردد و هر نیرویی که ارتش ضد خلقی را حفظ و تقویت کند عملاً آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و زمینه را برای اعمال سرکوبگرانه آماده میکند!

کوبی نمیتواند آنرا سرنگون سازد، و هرگاه که توده ها علیه حکومتی بپاخیزند با هیچ وسیله ای نمیتوان از سرنگونی آن جلوگیری کرد. قیام سی تیر در پشتیبانی از حکومت مصدق و سقوط رژیم شاه در بهمن ۵۷ به خوبی این تجربه را به خلقهای ما آموخته است. اما یکسال بعد همین بقیه در صفحه ۵

قتی که بعلمت سازشکاری و سیاستهای اپورتونیستی حزب توده و عدم قاطعیت دکتر مصدق در کناره زدن امپریالیسم که ناشی از ماهیت

نخست وزیری قوام نرفت و روز سی تیر مبارزات قهرمانان خود را برای بازگرداندن مصدق به نخست وزیری آغاز کردند. تظاهرات صبح از

سراسر ایران علیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع و در پی درخواست ملی کردن صنعت نفت به نخست وزیری رسید، در خرداد ماه ۱۳۳۱ با فشاری

سالروز قیام خونین سی تیر گرامی باد!

بقیه از صفحه ۱
شما بساط...

دسته دسته جمع شدند و به سوی نخستوزیری رفتند. حکومت مثل همیشه هیچ قصدی جز فریب آنها نداشت. به همین دلیل آنها را به ساختمان شهرداری حواله دادند و حتی ادعا کردند که شهردار منتظر شماست. دهکده ارا را به سمت شهرداری حرکت کردند. ولی آنجا را بسته یافتند. اما با زوان زحمتکشان هر جا که بهم پیوندید، هردی را می کشاید. آنصن آغاز میشود و چند دقیقه بعد سروکله پاسدا ران جمهوری اسلامی هم پیدا میشود.

پاسداران ۲۰ دقیقه فرصت دادند تا آنها شهرداری را خالی کنند. اما دریا بآن فرصت کسی تکان نخورد. آنگاه آخوندی به اسم شیرازی وارد معرکه میشود و دهکده ارا را از آن دنیا میترساند! او در حالیکه خشمگین شده بود فریاد میزند: آخر شما هم آدم هستید که آقای شهردار بیا یدوبیا شما حرف بزنند؟

سرانجام پاسداران چهره واقعی خود را نشان میدهند. پرتاب گاز اشک آور و رگبار مسلسل، صحنه را به میدان جنگ بدل میسازد. زحمتکشان روزهای قیام را با خطر میآ ورنند. پاسداران به میان مردم میافتند. عدهای دستگیر میشوند. عدهای بسمت سالن شهرداری میروند. عدهای آتش روشن میکنند تا اثر گاز اشک آور را خنثی کنند. پاسداران در داخل ساختمان هم چند گاز اشک آور منفجر میکنند. جمعیتی که بداخل ساختمان هجوم میبرد، با حمله وحشیانه پاسدارها روبرو میشود. تیربارها بسمت مردم نشانه رفته

است... و ناگهان اولین قربانی جنایتکاران، برز-مین میفلطد و خون پاکش سنگفرش شهرداری را گلگون میکند. پاسداران تمام شهرداری را محاصره کرده و بی مهابا بمست مردم شلیک میکنند. دهکده ارا را مبارز، با دستهای خالی، شکمهای گرسنه، رو-حیه عالی ودلی سرشار از کینه نسبت به این رژیم ضد خلقی، بیش از چند ساعت مقاومت میکنند. اما سرانجام شدت حمله پاسداران آنها را و میدارد تا ساختمان را ترک کنند. یکپاسدار مزدور، جلوی راهرو کسانی را که قصد خروج دارند، با قنداق تفنگ وحشیانه میزند. ندچنانکه دهکده ارا مبارز همنوز روی زمین مانده است. و خون سرخش اطراف را رنگین کرده است. یکی از دهکده ارا میگوید: این اسلحه ها را بدست شما دادیم که خودمان را بکشید؟ پاسدار خشمگین به او و دیگران حمله کرده و بجای جواب فحش خواهر و مادر میدهد. او در حمالیکه عریضه میکشد، به جسد دهکده ارا شهید اثاره کرده و بکبی شرمی غیر قابل وصفی میگوید: شما اینو کشتید! دیوت هاینهم دهکده تون!

مردم و دهکده ارا نی که بیرون ایستاده و شاهد ماجرا هستند شعرا میدهند: مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه دار، و این شعرا پاسدار را دیوانه میکنند. دیوانه و اربه مردم حمله میکند، او نعره میکشد و میگوید: بی ناموس ها شما اسلحه دارید! شما دو پاسدار را کشته اید! (به جسد دهکده ارا شهید اشاره میکند) اینهم خودتون کشتید! یکی از دهکده ارا که از این همه وقاحت بخشش آده است فریاد میکشد: چرا فحش میدی! که ناگهان

پاسدارها محاصره اش میکنند، یکی با قنداق تفنگ محکم به سرش میکوبد و گلنگ شدن اسلحه اش را میکشد و بوطرف او میگیرد. یک پاسدار فریاد میزند بی ناموس ها چرا اینجا جمع شده اید؟! یکی از دهکده ارا را در میان جمعیت میکوبد برای اینکه شکم آن گرسنه است! پاسدارها با مشت و لگد بجان همه میافتند تعداد زیادی را دستگیر میکنند. دستگیر شدگان را به داخل حیاط میآورند و ده نفرده نفر به داخل ریو میبریند.

وقتی ماشین ها بطرف زندان حرکت میکنند، مردمی



شهید سید معتمد رستگاری نقی دبیله

که در اطراف ساختمان جمع شده اند، یکدلو یک صدا برای دهکده ارا را اسیر دست میزنند و فریاد "درود بر دهکده ارا مبارز" تمام فضا را پر میکنند. درکنار دریچه، ریو ها عدهای پاسبان را نشانده بودند که مردم دستگیر شده ها را نبینند، ولی دهکده ارا را مشت های گره کرده خود را با زور از میان پاسبانها بیرون آورده و عزم را سخنان را برای ادامه مبارزه به همه نشان میدادند.

دهکده ارا را اسیر از شهر داری به امداد کلانتری سوار برند و تا ظهر جمعه در آنجا زندانی کردند. دهکده ارا را با روحیه عالی، ساعات اسارت

را میگذرانند. در تمام مدت بطور دستجمعی شعار داده میشد:

* دهکده ارا میوزم، سرمایه دار میلرز!

* دهکده ارا مبارز از ادباید گردد!

* جنگیدیم خون دادیم، اما هنوز در بندیم!

* مرگ بر شهردار، حامی سرمایه دار!

* زحمتکشان بدانید دهکده ارا شهید داد!

ظهر جمعه، دهکده ارا را به زندان قصر میآورند. عدهای از پدر و مادرها جلوی زندان قصر، منتظر فرزندان زحمتکش خود ایستاده اند. مادری در حالیکه با دیدن فرزندش بشدت به گریه افتاده بود فریاد میزند: فرزندم را بیا رختشویی بزرگ کرده ام، کجا میبرینش!

زحمتکشان را به داخل قصر میبرند. ابتدا آنها را به صف کرده و بعد یکی یکی آنها را روی تخت شکنجه میخواستند. آنگاه یک پاسدار گردن و یک پاسدار روی پاشسته و دو پاسدار مزدور دیگر، با کابل های برق (از همانها که ساواک برای شکنجه استفاده میکرد) پیکر زحمتکشان را به زیر وحشیانه ترین تاز-پا نه ها میگیرند.

در این میان خلخالهای جلاد، همچون جانیان که از دیدن شکنجه زحمتکشان به وجد آمده، در اطراف میگرد و بایی شرمانه ترین توهین ها خطاب به پاسدارها میگوید: "گوسفند های منوچه کنی و نگذارید کسی کتک نخورده از اینجا در بره!"

این جلاد که خون فرزندان آن دلیر خلق کرد، چهره کریه

برقرار باد جمه — وری دمکراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۳

به مناسبت سی تیر

دولت مصدق، دولتی که بعد از یک تظاهرات عظیم توده‌ای به پشتوانه نیروی مردم به سر قدرت بازگشته بود، بایک کودتای نظامی سقوط کرد و توده‌ها ناچاراً به آن گردن نهادند و نتوانستند در مقابل آن مقاومت کنند چرا؟

ضعف نیروهای انقلابی و سیاستهای فرصت طلبانه و سازشکارانه حزب توده که تا قبل از قیام سی تیر در مقابل تمامی سیاستهای مصدق ایستاده و بعد از آن به دنباله روی و سازشکاری افتاده بود. بعلاوه عدم قاطعیت و نداشتن سیاست تکیه به توده‌ها و قدرت آنها موجب شد که کودتای ننگین و امپریالیستی ۲۸ مرداد به راحتی صورت گیرد.

سیاستهای مصدق در مورد جلوگیری از ابتکارات توده‌ای، وحشت از قدرت گرفتن مردم استفاده از پشتیبانی مردم نه در جهت سرنگونی رژیم شاه خائن، بلکه برای چانه زدن با دربار و سرانجام آزاد کردن کسانی که در ارتش توطئه میکردند موجب شد که هیچ نیرویی در مقابل کودتا مقاومت نکند. عدم تسلیح توده‌ها و سا-

بقیه از صفحه ۲

خلق مادت توده و در کنار مردم و خلق خود با مزدوران امپریالیسم خواهد جنگید. تهاجم توده‌ها و نیروهای انقلابی ارتش را از درون درهم خواهد شکست.

آری! کودتا با شکست روبرو خواهد شد زیرا کارگران و زحمتکشان، خلق قهرمان کرد

زماندهی آنان علیه امپریا- لیسم و ارتجاع و آگاه نکردن توده‌ها از لزوم مقاومت و مبارزه در مقابل هر حکومت ضد انقلابی، توده‌ها را در مقابل چنین سرکوب آشکار و دیکتاتور فاشیستی که ۲۵ سال خلق ما را زیر حکومت شاهنشاهی نگهداشت، ساکت و بی دفاع رها کرد. و مردم علی‌رغم نفرت از کودتا چنان در مقابل این سرکوب متشکل نتوانستند کاری از پیش ببرند.

قیام ۳۰ تیر و کودتای ننگین ۲۸ مرداد با زهمه خلقهای قهرمان ایران نشان داد که با یدتنها به نیروی خود و به کسانی که بطور واقعی از توده‌ها و مبارزات آنان پشتیبانی میکنند تکیه کرد. و نشان داد که هر نیروی و حکومتی که مانع مسلح شدن توده‌ها، مانع رشد نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها و مانع ابتکارات توده‌ای و حضور آنها در صحنه سیاسی گردد هر نیرویی که ارتش‌های ضد خلقی را حفظ و تقویت کند، عملاً با به آسیا با امپریالیسم ریخته و زمین را برای اعمال سرکوبگرانه آماده میکند!

ترکمن، پرسنل انقلابی ارتش تحت رهبری نیروهای انقلابی و کمونیست علیه این مزدوران آمریکایی به مقاومت و مبارزه مسلحانه دست خواهند زد و ایران را گورستان کودتاگران، سرمایه‌داران و امپریالیسم آمریکا خواهند کرد.

اش را برای ایدخون آلود کرده است، در حالیکه وانمود میکند این شکنجه‌ها، تنبیه ساده و پیش پا افتاده‌ای است، به زحمتکشان میگوید: توی شما ها کمونیست هست. ما با شما کاری نداریم شما ها را آزاد میکنیم.

آری! بنظر این عنصر ضد انقلابی، شکنجه، تحقیر و توهین زحمتکشان "کاری" نیست! برای او فقط کشت و کشتار جوانان انقلابی "کار" قلمداد میشود!

سرانجام اسم و آدرس همه را میگیرند و با تهدید به اینک-اگر یکبار دیگر اعتراض کنید "اعدام" خواهید شد، آنها را در حالیکه موهایشان را نیمه کاره تراشیده‌اند از زندان آزاد میکنند.

جلوی زندان غوغایی برپاست. مادران فرزندان نشان را در آغوش میکشند و مادر میگوید: پسرم افتخار کن به خاطرنان حلال خوردن زندان کشیدی! مادر دیگری به پسرش میگوید: کاش به آنها میگفتی که تا حالا ما چه بودیم، از این بی‌عدالتیست میشوم!

یکی از زحمتکشان میگفت آنها میخواهند ما را وادار به دزدی کنند، اما کور خوانده‌اند! راه چاره، مایک انقلاب دیگر است. انقلاب زحمتکشان!

دکه‌داران مبارز مدتها

پشت در زندان منتظر شدند تا همه از زندان بیرون آمدند. آنگاه از یکدیگر خدا حافظی کردند و اینبار با عزمی راسخ تر، دستان یکدیگر را فشردند و به امید پیروزی زحمتکشان از یکدیگر جدا شدند!

زحمتکشان چاره‌ای جز مبارزه ندارند!

حکومت سرمایه‌داران، اینبار با حمله به دکنه‌داران مبارز، که در حقیقت بخشی از ارتش عظیم نیکاران جامعه ما هستند، گوشه‌ای دیگر از ماهیت ضد خلقی خود را به نمایش گذاشت. بیش از یک هفته تهران و برخی از شهرهای بزرگ ایران، صحنه مبارزات این زحمتکشان و تاخت و تازهای وحشیانه حکومت بر علیه آنان بود. و در این جنگ طبقاتی، ما با زهم شاهد استقامت و اتحاد زحمتکشان بودیم. اینک جنگ موقتاً فروکش کرده است. دکه‌داران به اردوی عظیم زحمتکشان بیکار پیوسته‌اند و چاره‌ای جز مبارزه ندارند!

مردمی که هر روز از خیابان بمداق میگذرند. میتوانند بقایای شعارهای دکه‌داران را که بر دیوارهای خیابان برجای مانده است ببینند:

* آقای وزیر کشور، برابری شکم سیر از شکم گرسنه خبر ندارد!
* مردم از ما حمایت کنید!
* شما بساط ما را جمع کنید، ما هم بساط شما را.....!

رفقا و هواداران!

در تکثیر و پخش هر چه وسیعتر

پیکرزمندگان

بکوشید!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بقیه از صفحه ۱۴

انجمن اسلامی و...

زحمتکش و آگاه میهن مان
فریب تبلیغات زهرآگین
رژیم را نخورده و نمیخورند
و با به مرور ما هیت ضد انقلابی
اش را می بینا سندود ست به
مبارزه و مقاومت علیه او میز-
نند، مورد یورش وحشیانه نیرو-
وهای سرکوب رژیم قرار
میگیرند.

خلق دلاور کرد، دهقانان
زحمتکش گنبد، صیادان بندر
انزلی، کارگران بیکار
اندیمشک و درودشاهدایی
برای این ادعا هستند. نمونه
های دخالت پاسداران برای
درهم شکستن مبارزات کارگر-
ان کارخانه های مختلف آنقدر
زیاد است که بیشتر کارگران
چند نمونه آنرا دیده و یا شنید
ه اند.

در کنار سیاست سرکوب
نظامی، رژیم برای فریب
دادن توده ها و نگه داشتن
آنها در بند توهم، از سیاستهای
فریب کارانه و تبلیغات و ایجاد
تشکیلات و انجمن های وابسته
نیز به وفور استفاده نموده است.
تشکیل انجمن های اسلامی
در کارخانه ها تحت رهبری
و هدایت حزب جمهوری اسلامی
در رابطه با همین سیاست
رژیم و برای به اجرا درآوردن
سیاستهای ضد کارگری در کار-
خانه هاست. انجمن های اسلامی
به طور کلی به ۳ شکل سیاستهای
ضد کارگری رژیم را در کارخا-
نه ها پیش میبرد:

۱- آنها سعی میکنند از
آگاه شدن کارگران نسبت به
منافع طبقاتی خویش جلوگیری
کنند. ذهن و فکر کارگران
را نسبت به ما هیت واقعی ضد
کارگری رژیم جمهوری اسلامی
منحرف کنند. این کارها را از
طریق گذاشتن جلسات

سخنرانی، پخش اعلامیه ها
و کتابهایی که منافع کارگران
را و ارونه نشان میدهد و جلو-
گیری از پخش اعلامیه ها و
نشریات انقلابی و کمونیستی
در کارخانه ها برای مانع
شدن از آگاهی کارگران، انجام
میدهند. انجمن های اسلامی
کارگران را برای شرکت در
تظاهرات ضد مردمی که به نفع
رژیم است نیز میکشاند.

۲- جاسوسی، توطئه برای
اخراج و دستگیری کارگران
مبارز و کمونیست:

رژیم جمهوری اسلامی از
آگاه شدن کارگران و مبارزات
آنها وحشت دارد چرا که آگاه
شدن کارگران و شناختن ماهیت
ضد انقلابی رژیم و گسترش
مبارزات کارگری پایه های
اصلی حکومت را به لرزه خواهد
انداخت. به همین دلیل رژیم
و عمال او از هر وسیله ای برای
جلوگیری از آگاه شدن کارگران
و گسترش مبارزات توفند
آنها استفاده میکنند. کارگران
آگاه و کمونیست و انقلابی که
نقش بزرگی در آگاه نمودن
کارگران و گسترش و رهبری
مبارزات کارگران دارند مورد
حملات وحشیانه رژیم و عمال

او قرار دارند. انجمن های
اسلامی در اجرای این سیاست
پلید و ضد انقلابی رژیم نقش
مهمی در کارخانه ها داشته اند.
انجمن های اسلامی همچون
ساواکیهای کثیف به شناسایی
کارگران انقلابی و کمونیست
دست میزنند و حتی در مواردی
به تعقیب کارگران در بیرون
از کارخانه ها میپردازند. این
انجمن ها با تبلیغات فریب
کارانه و انواع توطئه ها زمینه
اخراج و دستگیری کارگران
مبارز و کمونیست را فراهم
میسازند.

کارنامه انجمن های

اسلامی در کارخانه های
چون جنرال موتورز، ایران
ناسیونال، الیاف، ماشین
سازی تبریز و... پر است از تو-
طئه گری جاسوسی و خیانت
برای شناسایی کارگران مبارز
و زو انقلابی و دستگیری و اخراج
آنها. در بعضی از کارخانه ها
که کارگران آگاه و انقلابی با
توطئه انجمن اسلامی و کارفرما
اخراج شده اند و کارگران
به دفاع از اخراجیها دست
نزدند و با آگاهانه در توطئه
انجمن اسلامی و کارفرما
هنگام اخراج کارگران انقلابی
شرکت نموده اند، بعد از مدتی
به اشتباه خود پی برده و از اینکه
فریب توطئه گری انجمن اسلامی
را خورده اند سخت ناراحت و
پشیمان گشته اند.

۳- سرکوب کردن و
منحرف نمودن مبارزات کار-
گران و وظیفه دیگر انجمن های
اسلامی است. وقتی سیاست فر-
یب دادن دیگری اثرشود
و نتواند جلو مبارزات کارگران
را بگیرد آنگاه انجمن های
اسلامی مستقیماً رود روی کار-
گران قرار میگیرند. میان
کارگران تفرقه میاندازند،

اعتصاب شکنی میکنند و

کارخانه را منحل میکنند و در
جهت ایجاد شورای واقعی
اقدام میکنند. انجمن اسلامی
با انواع دسیسه ها سعی میکند
جلو انتخابات را بگیرد. در روز
رای گیری با جمع کردن عده ای
کارگر نا آگاه به همراه مزدوران
کارفرما برای برهم زدن انتخابات
دست به تحریک میزنند. ولی
با هوشیاری بقیه کارگران
و کارمندان اقدامات ضد
کارگری آنها خنثی میشود.

فعالیت های ضد کارگری
انجمن های اسلامی محدود به
یک کارخانه و کارگران آن نیست
بلکه آنها در سطح طبقه کارگر
در توطئه های ضد انقلابی
رژیم دخالت مستقیم دارند.
مثلاً وقتی شوراها و سندیکا های
حدود کارخانه وابسته به ساز-
مان گسترش و نو سازی صنایع
اتحادیه ای به نام "اتحادیه
سراسری شورا های کارکنان"
تشکیل دادند و بعلمت اینکه این
اتحادیه تا حدودی مستقل بود و
دست نشاند حکومت نبود رژیم
در جهت از بین بردن آن دست
به توطئه زد.

۷ نفر از اعضای انجمن اسلا-
می ماشین سازی تبریز به عنوان
نمایندگان کارگران ماشین

هر چه آگاهی طبقاتی کارگران بیشتر میشود، هر
چه مبارزات برحق آنها گسترش مییابد، سیاست فریب
کاری انجمن های اسلامی کم اثر تر میگردد و آنها
مجبورند هر چه روشن تر و رسمی تر به رویا زویی مستقیم
با کارگران بپردازند.

دسته های جماع دار راه میا-
ند از ندوبه کارگران مبارز
حمله می نمایند. و جلوتشکیل
شورا های واقعی را میگیرند.
مثلاً در کارخانه نورد هواز
کارگران، شورای ضد کارگری آن

کانون های توطئه ضد کارگری را افشا کنیم و درهم کوبیم!

برای مبارزه با گرانی:

باید اموال سرمایه داران مصادره شود نه کسبه خرده پا

در یکی از کوچه های تهران که جمعیت زیادی هم دارشست با هم قرار میگذارند که هر دست فروش گرا تفروشی که به کوچه آنها آید و اجناسش را گران فروخت بر سرش ریخته و اجناسش را له کنند و به جوی بریزند و این تصمیم که شکلی انحرافی از مبارزه بر علیه گرانی بود بر سر یک گوجه فروش میآورد و گوجه های او را که نژاد ترازدیگر گوجه فروشان نیز میفروخت له میکنند، عامل گرانی سرمایه داران و نظام سرمایه داری و وابسته است سرمایه داران که با هدف تامین سود برای خود و نه تامین مایحتاج مردم تولید میکنند هر زمان که بتوانند به افزایش بی حساب قیمتها

میپردازند با این کار خود کارگران و زحمتکشان ما را بیش از همیشه تحت فشار و بی چیزی و کمبود مواد غذایی قرار میدهند. کارگران و زحمتکشان ما برای مبارزه با این فشار و اجافات آشکار نباید به مبارزه با خرده پا ها که خود نیز از گرانی رنج میبرند بپردازند بلکه باید مبارزات خود را جهت اصلی آن که نابودی سرمایه داری وابسته است سازمان دهند و اموال محتکران و سرمایه داران بزرگ را که در این شرایط دست به احتکار میزنند مصادره و چراغ کندنه دوره گردان فقیر را!

عوامل جنایتکار تر و نافرجام

دکتر حسین بر باید معرفی شوند!

بعد از سه ماه که از ترور نافرجام و جنایتکارانه دکتر حسین بر انقلابی و مبارز بلوچستان میگذرد، مقامات مملکتی هیچ اقدامی برای یافتن عوامل مل ترور انجام نداده اند و این عمل خود همدستی و تأیید این اقدام جنایتکارانه را که منجر به فلج شدن دکتر حسین بر گردید، ثابت کرده اند. اینک خانواده رفیق دکتر حسین بر و تعدادی از مردم مبارز بلوچستان طی نامه ای به رئیس جمهور و مقامات مملکتی و روزنامه های رسمی کشور خواهان رسیدگی و پیگیری پر

کاران انجمن های اسلامی قرار میگردد. اینک گردانندگان انجمن های اسلامی دست در دست کار فرما در تمامی توطئه ها و اقدامات ضد کارگری شرکت دارند. اینک انجمن های اسلامی کارخانه مجبورند تمام قسود و عریان ما هیت کشیف ضد کارگری خود را به نمایش بگذارند. اینک وقت آن است که کارگران با مشت های پولادین خود بر پوزه کشیف گردانندگان انجمن های اسلامی، این مجریان سیاست های ضد انقلابی رژیم بکوبند و این کانون توطئه کار فرما و رژیم در کارخانه را درهم بکوبند و محیط کارخانه را از وجود این خائنین پاک سازند.

تجربه روزمره شان، در جریان مبارزاتشان، در پیکارهای همزمانشان در اینجا و آنجا هر چه بیشتر ما هیت ضد مردمی این رژیم را میشناسند و صد البته ما هیت کشیف و ضد کارگری انجمن های اسلامی برای آنها روشن میگردد. هر چه آگاهیه طبقه ای کارگران بیشتر میشود، هر چه مبارزات بر حق آنها گسترش میابد سیاست فریبکاری انجمنهای اسلامی کم اثر تر میگردد و آنها مجبورند هر چه روشن تر و رسمی تر به رویا رویی مستقیم با کارگران بپردازند و دست به توطئه بزنند هر چه میگذرد اعمتصاب شکنی، راه انداختن دسته چاق دار، حمله به کارگران مبارز و انقلابی بیشتر در دستور

با مدیریت به خاطر اینکه آنها مترقی هستند و با از منافع کارگران دفاع میکنند نیست، بلکه به خاطر اختلاف منافع حزب جمهوری اسلامی با جناح دیگر حکومت است که هر دو جناح ضد کارگری و ضد انقلابی هستند. انجمن های اسلامی در اقدامات سرکوبگرانه و ضد کارگری و فریب کارانه کاملاً با کار فرما همدست و متحدند.

با گذشت زمان و گسترش مبارزات کارگران و سایر زحمتکشان، کارگران دیگر نه تنها از لابلای اعلامیه های افشاگرانه و آگاه کننده کمبود نیستها به ما هیت ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی پی میبرند، بلکه بیشتر از آن در

انجمن اسلامی و...

اتحادیه در جلسه حمله کرده و آنها را مضروب نمودند، سیم بلندگو را قطع کردند، بلافاصله بعد از این اقدام ضد کارگری دولت "اتحادیه" را غیر قانونی و منحل اعلام کرد. اینها نمونه هایی است از اقدامات ضد کارگری انجمن های اسلامی.

در ضمن گاهی دیده شده که انجمن های اسلامی در بعضی از کارخانه ها با مدیریت اختلا فاتی دارند. باید توجه داشت که این اختلافات انعکاس اختلافات درون هیت حاکمه است. مخالفت انجمن های اسلامی در بعضی از کارخانه ها

باشعله های نفرت، درسوگ مرگ رنجبر

مرگ ابراهیم غلامی، ننگ جمهوری اسلامی

است که تا نفس آخرشیره جان شان را بکنند و بعد هم که فترسوده شدند آنها را بیرون بیندازند. برای عوامل سرمایه دار یا دولتی درکارخانه خبر کوتاه بود، کارگری مرد، و حال باین فکر هستند که چگونه مسئله را ماست مالی کنند و تقصیر را به گردن خود کارگر بیندازند.

کارگران عزیز نمونه های بی توجهی به امرایمنی و بهداشت درکارخانه مافراوان است. درهرقسمتی ازکارخانه بروید بنحوی شاهدهی بندوبادری وعدم ایمنی و بهداشت میشوند درباررگیرخانه مسئله گرد و خاک کارگران را در مدت کوتاهی به امراض خطرناکی مبتلا میکند.

عوامل سرمایه داران درکارخانه میخواهند مسئله ایمنی و بهداشت را با دادن چندبخشنا مه و اطلاعیه آنها از دورن اظا قشان ماست مالی کنند.

عوامل تنگ نظرانجمن اسلامی (یا چماق دولت برای سرکوب کارگران) که همیشه نخو هراشی هستند، و این فرصت طلبان اینروزها هم جان تا زهای گرفته اند، مراسم تدفین و سوگواری این کارگر را به دادن شعار و تبلیغات برای خود تبدیل کردند، اما یک کلمه از دلایل مرگ و یا قصد تعقیب این فاجعه درمیان نبوده و گویا ارزشی هم برای پی گیری ندارد، چرا که اینروزها مشغول کارهای مهمی هستند که روسری فلان خانم چهرنگ است و چه انداز به شادولیا ش چهرنگ باشد...

کارگران عزیز حال متوجه میشوند که علل اساسی این وقایع و فاجع را، علل تمام بدبختی و بیچارگی و ظلم و ستم بقیه در صفحه ۹۰

یکبار دیگر ثابت میشود که: تا وقتی نظام سرمایه داری ولستنه نباشد نشود که کارگران و سایر زحمتکشان میهن مان رهایی نخواهند یافت.

کارگران متحدسیمان سیاهان به همین مناسبت در اعلامیه ای به نام "باشعله های نفرت درسوگ مرگ رنجبر" واقع را شرح میدهند در زیر قسمتهایی مهم اعلامیه آورده میشود:

روزشنبه ۱۴ تیرماه ۹۹ هـ یعنه اسفناکی درکارخانه ماستفاق افتاد که بمرگ دلخراش همکار کارگرمان حاج ابراهیم غلامی منجر شد. ما این مرگ نابهنگام را به تمام کارگران و خانواده محترمش تسلیت میگوئیم و عاملان و دست اندران این فاجعه را محکوم میکنیم. اما کارگران عزیز سخن به همین جا خاتمه پیدا نمیکند. ابراهیم غلامی اولین کارگری نیست که در این کارخانه جان را از دست داده و آخرین هم نخواهد بود.

درهرجا معای که پایسه های آن بر بهره کشی و زورگویی باشد، مثنی سرمایه دار که تنها هدفشان بدست آوردن بیشترین سود می باشد بدون شک به هیچ مسئله دیگری توجه ندارند چه برسد به رفاه و جان کارگران! درکارخانه ما مثل دیگر کارخانه ها حتی کمترین اهمیت را به حفظ جان کارگران نمیدهند.

برای عوامل سرمایه دار و دولت درکارخانه مهم نیست که کارگران به ایمنی و بهداشت در محیط کار نیاز دارند، مهم نیست که کارگران زن و بچه و خانواده دارند، مهم نیست که به رفاه و قوت لایموت نیاز دارند، مهم این

یکبار دیگر حرص و ولع سرمایه داران کارگر زحمتکشی را به کام مرگ فرستاد. یکبار دیگر درکارخانه سیمان سپاهان اصفهان شاهدهی حقوقی کارگران، ظلم و ستمی که به طبقه کارگر میهن مان در جمهوری اسلامی وارد میگردد میشود.



با اقدام انقلابی کارگران دیسمان:

توطئه کارفرما برای تعطیل کارخانه خنثی شد!

افتاده به خواستهایی از قبیل حق مسکن، حق اولاد، و..... برسد.

دراوا خرسال ۵۸ کارگران با عمل گروگان گیری نمایندگان کارفرمایان کارخانه توانستند سود ویژه خود را ۵۳۱۸۵ ریال به ۸۰۰۰۰ ریال برسانند. در طول این مبارزات کارگران مایان به انواع دسیسه ها متوسل میشوند که مبارزات کارگران را به انحراف بکشانند ولی با افشاکری کارگران آگاه و مبارز موفق نشده و کارگران تار سیدن به خواسته هایشان به مبارزه ادامه میدادند. در خرداد ۵۹ کارگران شورای منتخب خود را تشکیل دادند و علیرغم نظارت اداراه کار و اخلاکری عنا صر ضد کارگر نمایندگان مبارز و واقعی کارگران انتخاب شدند پس از تشکیل شورای واقعی کارگران، کارفرما بلافاصله زوارد کردن مواد اولیه خودداری کرد تا اتحاد کارگران را در هم ریزد و مقاصد ضد کارگری خود را پیش ببرد. ولی شورا در هفته آخر خرداد جلسه تشکیل داد و به دنبال افشای عملکردهای ضد کارگری کارفرما قطع نامه ای تصویب کرد که مواد آن به این شرح بود:

۱- جلوگیری از ورود رئیس بقیه در صفحه ۱۰۶

طبقه کارگر ایران، روزبه روز در مبارزات خویش، تجربه ای جدید و دستاوردهای کسب میکنند و میروند با متحد کردن صفوف خود، نقش تاریخی خویش را بعهده گیرد. این واقعیتی است که با نگرشی کوتاه به مبارزات صنفی سیاسی طبقه کارگر در ماههای اخیر بیوضوح مشاهده میشود.

کارگران کارخانه دیسمان در مبارزات اخیر خود نمونه های بی از این رشد آگاهی طبقه کارگر و پیچیده تر شدن مبارزات صنفی سیاسی اش را نشان میدهند. مبارزات کارگران کارخانه دیسمان اگرچه تماماً حول خواسته های صنفی و برای بدست آوردن حقوق صنفی خودشان بود، اما مطالبات آن وسعت بیشتری یافت و در این اواخر به خواست و اعمال ادا مه تولد درکارخانه و باز ماندن کارگاه از طریق در دست گرفتن تولید و نظارت بر آن بده است.

اولین مبارزه کارگران کارخانه برای اضافه دستمزد از ۵۶۷ (حد اقل حقوق ثابت که دولت چند ماه پیش تعیین کرده بود) به ۷۰۰ ریال بود که با موفقیت پایان یافت. آنها در اولین اعتصاب یکروزه خود در آبانماه ۵۸ موفق شدند علاوه بر دریافت حقوق عقب

توده‌ها به حمایت از نشریات انقلابی برمی خیزند

بقیه از صفحه ۸۰

باشعله‌های...

را چه در این کارخانه و چه در جـاـ معـ تنها و تنها با ید در سیستم سرمایه‌داری وابسته جست . تا زمانی که چنین نظامی بر جا معـ ما حکم فرماست آب خوشی از گلی ما پائین نخواهد رفتـ دسترنجان بیج یک عـده مفتخور و حراف می‌رود.

کارگران عزیز، در این سیستم کسی بفکر ما نیست . ما باید بفکر خود با شیم و خود باید بپا خیزیم . تنها راه عـسـلاج نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته است . برای این مقصود باید هر چه بیشتر متحد تر و نزدیک تر شویم و مسائل همدیگر را بهتر درک کنیم و تشکیلات مناسب برای مبارزه را بوجود آوریم . برای همین است که سرمایه داران و عواملش در کارخانه از آگاهی و وحدت و تشکیلات ما وحشت دارند و از اعلامیه‌ها و شب نامه‌های ما مثل "جن رژیم الله" می‌ترسند . آنها می‌ترسند که ما با کارگران آگاه شویم . متحد آریشه‌تان را از جا معـ برکنیم!

کارگران مبارز! ما باید با مبارزه متحد خود علیه سیستم سرمایه‌داری وابسته و نابودی آن نظامی را بوجود بیاوریم که در آن حکومت در دست کارگران و زحمتکشان بود و از اینهمه فشار کم‌ترشکن ، بهره‌کشی و مشقت خبری نباشد .

گرامی باد یاد ابراهیم غلامی! چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

"کارگران متحد سیمان

سپاهان" ۵۹/۴/۲۵

در همین رابطه پاسداران در ۴/۱۶ به فروشندگان نشریات انقلابی و کمونیستی درسی متری

نارمک حمله می‌برند . در پی اعتراض مردم به این حمله آنها برای متفرق کردن مردم دست به تیراندازی هوایی می‌زنند . طبق گفته‌ها هـدان عینی در همین رابطه شخصی با کلت سه نفر را مورد حمله قرار می‌دهد که یک نفر کشته و دو نفر به شدت زخمی می‌شوند . پاسداران با اینکه در کنار این شخص بوده و او را دیده بودند از دستگیری او خودداری می‌کنند . این نشان می‌دهد که فرد قاتل خود پاسدار و از مزدوران رژیم بوده است . بدنبال این واقعه حدود ۴۰۰ نفر با شعارهایی چون : "زحمتکشان بدانید سی متری شهید داد" ، "مرگ برارنجاع" ، "مرگ بر آمریکا" ، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" ، "مرگ بر حامی سرمایه دار" دست به راهپیمایی و افشای جنایات رژیم می‌زنند .

اما روزنامه‌های رژیم در هفته "حمله رسمی و مجاز" به سازمان مجاهدین با کمال وقاحت این درگیری را با دادستان پردازی و انواع دروغها به مجاهدین نسبت می‌دهد .

رژیم جمهوری اسلامی بر ای جلوگیری از آگاه شدن توده‌های مردم و سرکوب مبارزات آنها از هیچ جنایتی فروگذاری نمی‌کند . ولی توده‌ها در همه جا در برابر اقدامات ضد انقلابی رژیم و پاسداران آن دست به مقاومت و مبارزه می‌زنند . و نشان می‌دهند که زیر بارستم گری‌ها و زورگوئی‌های رژیم جمهوری اسلامی نمی‌روند .

پاک‌گذاشته و کمونیست‌ها را دشمن خود میدانند کمو - نیست‌ها به مردم هرگز دروغ نمی‌گویند و واقعیاتی را که در جا معـ می‌گذرد به مردم نشان می‌دهند و می‌گویند که در کردستان چه می‌گذرد و خلق کرد که کشتار می‌شود برای چه می‌کند و دروغ‌های راد یو و تلویزیون و رژیم زابر برای کارگران و زحمتکشان افشاء می‌کنند و معتقدند رژیم که در عمل بنفع سرمایه‌داران و بر علیه کارگر - ان عمل کرده است و در حرف خود را حامی مستضعفان می‌داند ، نمیتواند آزادی ، رفاه ، مسکن و . . . را برای مردم به ارمان بیاورد

اگر نشریات انقلابی و کمونیستی هنوز فروش می‌رود اگر کمونیست‌ها و انقلابیون هنوز در بین زحمتکشان فعال اند ، برای این است که مردم از آزادیها با چنگ و دندان پاس می‌دارند و اجازه نمی‌دهند رژیم ضد خلقی ، به آسانی هر کاری که دلش خواست در راه محدود کردن آزادیها انجام دهد .

در نارمک:

رژیم جمهوری اسلامی که از آگاه شدن مردم به شدت وحشت دارد از فروش نشریات و کتابهای انقلابی و کمونیستی که نقش مهمی در بالا بردن آگاهی سیاسی توده‌ها دارد به شدت جلوگیری می‌کند و همه روز و شب جمع آوری بساط‌ها و دکه‌های فروش کتاب و روزنامه‌های انقلابی و دستگیری فروشندگان آنها می‌تباد .

رژیم جمهوری اسلامی ، آزادیهای اساسی مردم را نمی‌تواند تحمل کند . آنها از آگاه شدن خلق می‌هراسند و با همه وسایل و عوامل خود سعی می‌کنند به هر طریق که باشد از آگاه شدن توده‌ها جلوگیری کنند . همه قوانین ضد خلقی مثل غیرقانونی کردن و توقیف نشریات ، منع تظاهرات و راهپیمایی‌ها و جلوگیری از ایجاد سخنرانی‌ها به همین مناسبت است . در همین رابطه ، جمع آوری دکه‌های فروش روزنامه سازمان‌ها و گروههای انقلابی از طرف پاسداران و کمیته‌ها در دستور کار قرار گرفته است .

چندی پیش ما وارن کمیته برای برهم زدن دکه رزمندگان به گودرسولی آمدند که با مقاومت مردم روبرو شدند و اداران سازمان بر علیه این حمله اعلامیه‌ای دادند . در بخشی از اعلامیه آمده است :

"هموطنان مبارز! اهالی خیابان غار! بار دیگر در پی خراب شدن اوضاع اقتصادی مملکت و گرانی کالاها و بیکاری توده‌ها ، هیات حاکمه به دست وردهای انقلاب و آزادی حمله می‌برد . روز دوشنبه ۴/۱۶ ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر ، عده‌ای کمیته چی با اسلحه بدم دکه "رزمندگان" "سرگودرسولی" آمدند و گفتند که باید جمع کنید ، سـدمعبر است ولی مردم از آزادی‌های بدست آمده دفاع کردند و کمیته‌ای‌ها برگشتند .

کارگران و زحمتکشان! ما برای آزادی مبارزه کردیم ، خون دادیم ، شهید دادیم تا آزادی از بین نرود ولی جمهوری اسلامی تمام آزادی‌ها را زیر

ممنوعیت انتشار نشریات کمونیستی نشانه ترس حکومت است!



اخبار کوتاه

● روز یکشنبه اول تیرماه مردم ساکن اطراف کارخانه سیمان ری برای اعتراض به گردوغاک کارخانه راه پیمایی میکنند مردوزن و بچه در این راه پیمایی شرکت کرده، به سمت کارخانه میروند و در کارخانه را میبینند از کارگران میخواهند که کار نکنند. میگویند تا فیلتر گردگیری برای کارخانه نگذارید، نمیگذاریم کار کنید. ساکنان محل خواستهایشان را در آخراه پیمایی بصورت قطعنامه اعلام کردند: ۱- هرچه زودتر کارخانه باید برود و دکش ها فیلتر نصب کند.

۲- از طرف کارخانه باید هر روز صبح به کارگران شیر مجانی داده شود.

۳- دکتر بایستی هر هفته مردم محل را برای جلوگیری از بیماریهای ناشی از این گردوغاک معاینه کند.

● کارکنان اداره آب تهران در پی کم شدن ۵۰٪ از دریافتی ماهانه شان دست به اعتراض زده اند روزنامه های دولتی این اعتراض را برای خواسته های اضافه حقوق و حق نهار و انمود کرده اند که دروغ میباید. مدیر عامل سازمان آب ابو الحسن کاشانی برای سرکوب آنها به کارکنان سازمان آب گفته است: دستور میدهم لوله آب را منفجر کنند و آب در تمام شهر قطع شود و مردم بر علیه شما به اینجانبیا بیایند. این توطئه ضد مردمی و ضد کارگری با هوشیاری و افشاکاری وسیع کارکنان

سازمان آب منطقه ای که علیرغم اعتصاب خود اجازه نداده بودند آب قطع شود، خنثی شد.

● بیماران خزان که ساکنین منطقه خزان فرج آباد دروازه غار و خیابان شوش را معالجه میکرد به شمال شهر انتقال داده شد! در حال حاضر اگر شخصی از ساکنین زحمتکش آنجا دچار حادثه ای گردد یا بیمار شود باید به بیمارستان فیروزآبادی که ۸ کیلومتر با آن محلات فاصله دارد برود. این است معنی حمایت رژیم جمهوری اسلامی از کارگران و زحمتکشان!

● سه هفته پیش ۳ نفر از نمایندگان شورای کارگاه ساختمانی آپادانا را دستگیر و به زندان اوین میبرند. این کارگاه حدود ۳۰۰۰ نفر کارگر دارد که کارفرما بعد از تمام شدن کار هر قسمت کارگر را آن قسمت را بدون پرداخت هیچگونه خسارتی اخراج میکرد در مقابل این عمل ضد کارگری، کارگران کارگاه متحد شده و شورا تشکیل میدهند این شورا برای هر کارگر در هنگام خروج ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان خسارت میگرفت.

کارگران وقتی از دستگیری نمایندگان شان با خبر میشوند، دست از کار میکشند، و علیرغم اصرار و فشارهای کارفرما چند روز کار نمیکنند. و تنها پس از چند روز که حکومت مجبور میشود آنها را آزاد کند کارگران به کار بر میگردند. ولی دوروز بعد هر سه نفر را دوباره اخراج میکنند.

● کارفرمای شرکت سایبر "در نزد یکی سربند در ماهشهر تصمیم گرفته است ۵۰۰ نفر از ۷۲۰ نفر کارگر آنجا را اخراج کند بهانه شرکت تمام شدن مدت کار است. کارگران این بهانه را قبول ندارند و معتقدند شرکت هنوز کارش ادامه دارد.

● یکی دیگر از شرکتها ما شهر به نام - میم کوچاگا -

نیز که شرکتی آمریکایی و پروساختمان سازی برای کارکنان پتروشیمی را در دست اجرا داشته است، تصمیم به اخراج ۵۰۰ تن از کارگران نجار، بنا، آرماتوربند و سازه گرفته است. اما بعد از آمدن لیست به مقاومت کارگران روبرو میشود و بقیه کارگران نیز، آگاهانه از رفقای خود پشتیبانی میکنند و همبستگی طبقاتی خود را به اثبات میرسانند.

● از ۳۰۰ کارگر کارخانه چیت سازی قائم شهر که تازه میخواهند استخدام شوند تعهد گرفتند که هر وقت کارفرما تر جیح داد بتوانند آنها را اخراج کنند بهانه این عمل ضد کارگری کارفرمایان بود که ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۸۰

باقی اقدام انقلابی...

کارخانه به کارخانه.

۲- افراد بازنشسته ادارات دیگر حق آمدن به کارخانه را ندارند.

۳- کارفرما موظف است هر چه زودتر کارخانه را از مواد اولیه تامین نماید.

از آنجا که کارفرما حاضر به تامین مواد اولیه نشد و روز بعد کارگران و شورای منتخب آن ها تصمیم گرفتند برای جلوگیری از تعطیل کارخانه خود به تهیه مواد اولیه بپردازند. آنها با جمع آوری کمک های مالی و تامین مواد اولیه کنترل و نظارت بر تولید را خود برعهده گرفتند اما کارفرما که اراده کارگران را در مبارزه برای احقاق حقوق خود دید بناچار یک هفته بعد ضربه تامین مواد اولیه شد. در این مدت کارگران تولید را افزایش دادند و نشان دادند که خود قادر به کنترل و نظارت بر تولید هستند در حال حاضر کارفرما و اداره کار که به هیچ حیل و انتوانستند کارگران مبارز را نتوانستند کارگران و هداست

میخواهد در اینجا نفوذ کند و برای جلوگیری از آنها این تعهد را میگیریم!

● روز ۲۵ تیر یک دسته ۷ تا ۱۵ نفری حزب اللهی با شعار امام افشا کرد، افشا کرد، موافق را رسوای کرد به کتاب فروشی طالقانی هوادار سازمان مجاهدین در اصفهان حمله کردند. مردم زیادی در اطراف محل جمع شده بودند ولی با آنان هم اهی نمیکردند ولی عکس العطف هم نشان نمیدادند هر چند که در حرف ها و بحث ها ایشان با این عمل مخالفت میکردند در تمام طول جریان یک سرگرد و یک عده پاسبان که از او دستور میگرفتند برجریان نظارت داشتند. □

مبارزاتشان دورنگدارند. لیستی مبنی بر اخراج بیش از ۳۰۰ تن از کارگران مبارز را تهیه کردند!

* * *

همانطور که در شماره ۲۰ پیک رزمندگان نوشتیم اشغال کارخانه و تامین مواد اولیه برای جلوگیری از تعطیل کارخانه یکی از اشکال مبارزاتی کارگران برای مقابله با سیاست ضد کارگری اخراج است. این روش تاجایی مجاز است که به کارفرمایان فشار آورند که نتوانند کارخانه را تعطیل کنند و به دولت فشار بیاورند که کارخانه را دولتی کند. این روش هرگز بمعنی تغییر روابط استثمار نیست زیرا نمیتوان در یک کارخانه، روابط تولیدی سرمایه داری را از بین برد و چنین شیوه ای تنها در شرایط انقلابی میتواند به گسترش قدرت کارگران و زمینه سازی برای حاکمیت کارگران و زحمتکشان منجر شود. □

بعیه از صفحه ۱

است و کمونیست ها چون عامل بیگانگان هستند میخواستند ارتش از هم بپاشد و مملکت در خطر حمله خارجی قرار گیرد. کمونیست ها میگویند ارتش اسلامی همان ارتش شاهنشاهی است و همان ارتشی است که برای حفظ جامعه سرمایه داری وابسته از گزند طغیان توده ها لازم است. او در مقابل حکومت نه تنها ارتش را حفظ کرده بلکه فرماندهان جنایتکاری نظیر سپهبد مهدیون، و سپهبد محقق را به فرماندهی نیروی هوایی و ژاندارمری کل کشور منصوب کردند. کمونیست ها و انقلابیون و پسران انقلابی ارتش دهها سند و مدرک بر علیه این فرماندهان مزدور آمریکا افشا کردند، و بازرگان و بنی صدر دیگر سران حکومتی بارها و بارها وظیفه های مکرر طاعت از آنها را جزو وظایف شرعی ملت قلمداد کرده و در برنامہ های تلویزیونی همین فرماندهان مزدور را سربازان انقلاب و شجاعان و حافظان انقلاب مینا میداند! البته، حکومت، بر اساس منطق طبقاتی خودش سخن میگفت: آخر چگونه ممکن است رژیم جمهوری اسلامی که خود حافظ سیستم فرسوده سرمایه داری وابسته است، از ارتش خلقی، ارتشی که متکی بر خلق است نه در مقابل آن، دفاع کند؟ حکومتی که بغض پرستیانی از منافع سرمایه داران خود مهر ضد انقلابی بر پیشانی خویش دارد، چگونه میتواند ارتشی خلقی و انقلابی داشته باشد؟! آری! آنها با منطق خود سخن میگویند و بهمین دلیل ارتش را حفظ و کمونیست ها و زحمتکشان را سرکوب میکنند. و کمونیست ها و نیروهای انقلابی نیز منطق خود را دارند. منطق انقلاب زحمتکشان را و منطق مبارزه با ضد انقلاب را!

و اینک خبر رسیده است که "برادران ارتشی" میخواستند اندکودتا کنند! آنها میخواستند "برادروار" بر سر مردم بمب بریزند و هر کسی را که نفس کشیده گلوله ببندند. این کودتاگران این مزدوران ضد خلق از ترس رشد نیروهای انقلابی و از ترس رشد انقلاب بر اثر عدم توانایی حکومت در حفظ سیستم و بقصد سرکوب بازهم آشکار تر نیروهای انقلابی و کمونیست دست به

قدرت را در دست بگیرند. اگر چه امروز حکومت سعی دارد و نموده که چون انقلابی بوده است بر علیه اش کودتا شده است و در این راه، هر دو جناح ضد انقلابی حکومت بنبغ خویش و بطریقی کودتا را تفسیر و تعبیر میکنند، و اگر چه بیشتر مانده در روزهای اول کشف کودتا سعی میکردند که آن را به نیروهای انقلابی و کمونیست ارتباط دهند (رجوع کنید به

شده و بیشتر هم روشن خواهد شد که چرا حکومت، اینقدر از خلع سلاح توده ها و نیروهای انقلابی پشتیبانی میکرد و کمونیست ها چرا با آن مخالفت میکردند؟

اگر کودتا پیروز میشد، چه کسانی در صف مقدم جبهه با کودتاگران مقابل میگردند؟ بنی صدرها، بازرگان ها، بهشتی ها و فرسنگانی ها؟ یا کمونیست ها و نیروهای انقلاب



سخنرانی امام جمعه تهران در اولین جمعه پس از کشف کودتا (اما دیگر برای توده ها، یا لا-قل برای بخش وسیعی از توده ها روشن شده است که حکومت ضد انقلابی، دستاوردهای قیام خونین بهمن را به چه کسانی هدیه کرده است. آنها آگاه شدند و باز هم بیشتر درخواهند یافت که کمونیست ها نه از روی هرج و مرج طلبی، بلکه از روی توجه به منافع توده ها بوده که شعار ایجاد ارتش خلقی را طرح میکردند. اینک برای توده ها روشن

کودتا زدند. این خود فروختگان را صدها مورد اعدام کمونیست ها و انقلابیون راضی نمیکرد. آنها از خون دهها کارگر بیکار رود که دارو صیاد و زحمتکش سیراب نمیشدند. این مزدوران از هزاران خمپاره که به شهرهای کردستان ریخته شد، رضایت کافی نداشتند. آنها سرکوب باز هم آشکار تر توده ها و کمونیست ها را میخواستند. بنی جهت نیست که یکی از کودتاگران در مصاحبه گفته است: "ما برای این میخواستیم کودتا کنیم که میتر سیدیم کمونیست ها

شناخت ●

آموزش توده‌ها...

"... سیاست‌های دولتی خود عملاً باعث افزایش گرانی و حتی (؟) بیکاری شده است."

کمیته مرکزی "س.ج." با این جمله عملاً زمینه را فراهم می‌کند تا این سیاست‌های غلط را تصحیح کرده و به هیأت حاکمه برای تغییر سیاست‌های غلط دولت که موجب افزایش گرانی شده است رهنمود دهد. این نوع تحلیل همواره کل رژیم را از تیغ حمله توده‌ها دور کرده و تنها سیاست‌های غلط آنرا آنهم در یک جمله به نقد میکشد و توده را امیدوار نگه میدارد که شاید رژیم سیاست‌های خود را تصحیح کرده و راه حل‌های کمیته مرکزی "س.ج." را قبول کند.

کمیته مرکزی در ادامه مینویسد: "این وضعیت در بخشهایی از مردم که از آگاهی کافی برخوردار نیستند و علل و ریشه‌های واقعی گرانی را نمیدانند (براستی علت گرانی از نظر کمیته مرکزی "س.ج." چیست؟) نسبت به مبارزات ضد امپریالیستی تردید ایجاد میکنند و صدها هزار زحمتکش را که باید با مبارزات پیگیر خود پیروزی این انقلاب را تضمین کنند، به انفعال میکشاند و این امر در ادامه خود خطر نابودی دستاوردهای انقلاب و قدرت گرفتن محافل سرمایه داری وابسته را افزایش میدهد!"

اناس حرف‌های کمیته مرکزی در همین چند جمله است و آغاز روگردانی او از مبارزات توده‌ها به خوبی از همین چند خط روشن میشود، زیرا کمیته مرکزی مردمی را که در تجربه روزمره شانواژ جمله در رابطه با مسئله گرانی در میابند که رژیم عملاً در جهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته کار میکند و قادر نیست راه حل‌های بنیادی و

انقلابی بدهد توده‌های ناآگاه میخوانند، توده‌هایی را که به رژیم جمهوری اسلامی توهم داشته و از یک رژیم حامی سیستم سرمایه داری حمایت میکردند و اینک ما هیئت رژیم را میشناسند و توهمن در هم میشکند و از این حکومت پشتیبانی نمیکنند توده‌های ناآگاهی میخوانند که با توجه به ناآگاهی‌شان نسبت به علل گرانی ممکن است منفعل شده و راه را برای "قدرت‌گیری محافل سرمایه داری وابسته" باز کند.

نگی رسیدن به آنرا توضیح دهد، توده‌ها را از قدرت گرفتن محافل سرمایه داری وابسته میترساند، این درست است که ناراضی و خشم خود بخودی توده‌ها از عملکردهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی میتواند مورد استفاده نیروهای ضد انقلابی دیگر چون رادیو بغداد، رادیو آزاد، بختیارها و ایسی‌ها و... در نتیجه محافل سرمایه داری وابسته و قرارگیر دواپسان با استفاده از این ناراضی و بیکاری رژیم جمهوری اسلامی خود را

تاریخ مبارزات خلقهای سراسر جهان نشان میدهد که اگر کمونیست‌ها حل مشکلات توده‌ها را نه در به قدرت رساندن خود آنان بلکه در استدعا و خواهش از بورژوازی طلب کنند، هیچ راهی جز افتادن به دام بورژوازی و پشت کردن به منافع توده‌ها و مبارزه طبقه‌ای ندارند.

دوست خلق نشان دهند، اما راه حل این خطر نه جلب توده‌ها به پشتیبانی از حکومت جمهوری اسلامی که خود نیز حامی سرمایه داران و سرکوبگر کارگران و زحمتکشان است بلکه نشان دادن قدرت خود کارگران و زحمتکشان به آنان و لزوم حاکمیت کارگران و زحمتکشان بر سرنوشته خویشتن و حل مسائل و مشکلاتشان از جمله گرانی است.

کمیته مرکزی "س.ج." تنها به گفتن اینکه "بدون نابودی کامل سرمایه داری گرانی و بیکاری و غیره از میان نخواهد رفت" اکتفا کرده و به راه حل دادن برای رژیم کنونی نیستند. کمیته مرکزی "س.ج." روشن نمیکند که حامی نظام سرمایه داری وابسته ایران کیست معلوم نمیکند که چگونه نظام سرمایه داری و در

کمیته مرکزی "س.ج." اینان را توده‌های ناآگاه میخوانند و لایذنها را که علیرغم تمام فشارهای رژیم جمهوری اسلامی، گرانی، مسکن و بیکاری با زهم به هیأت حاکمه توهم هستند و از یک رژیم ضد انقلابی پشتیبانی میکنند، آگاه.

این توده‌های کنده شده از رژیم ممکن است علل گرانی و لزوم مبارزه علیه کل سیستم سرمایه داری وابسته را ندانند و قدرت خود را نشانند اما دیگر از رژیم ضد کارگری پشتیبانی نکرده و فریب حیل و توطئه‌های آن را نخواهند خورد.

کمیته مرکزی "س.ج." آنکه در مقابل این رودر رویی رژیم جمهوری اسلامی با توده‌ها که موجب جدایی آنها از یک رژیم ضد انقلابی میباشد راه حل خود کارگران و زحمتکشان و چگو-

نتیجه گرانی و بیکاری و غیره از میان میرود و توده‌ها برای از بین بردن بیکاری و گرانی چه باید بکنند زیرا اگر کمیته مرکزی پاسخ این سئوالات را روشن کند باید از راه حل برای جمهوری اسلامی بگذرد. زیرا مجبور است به توده‌ها بگوید که حامی نظام سرمایه داری وابسته همین حکومت جمهوری اسلامی است مجبور است بگوید که اصلاً وجود دولت جمهوری اسلامی، دور بودن توده‌ها از قدرت و حمایت رژیم از سرمایه داران و سیستم سرمایه داری وابسته خود باعث وجود گرانی و بیکاری است آنوقت راه حل، نه رهنمود دادن به دولت حامی سرمایه داران و حافظ گرانی و بیکاری بلکه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی با هدف برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان و حل مسئله گرانی و بیکاری خواهد بود.

آنوقت کمیته مرکزی "س.ج." با دیده توده‌ها بگوید که اگر دولتی بر سر کار بود که برشوران‌های کارگران و زحمتکشان تکیه میکرد میتوانست با کمک خود توده‌ها مشکل گرانی را حل کند، کارخانه‌ها را نه برای سود بلکه برای منافع مردم به راه بیاورد، بایک برنامه ریزی حساب شده تولیدات کشاورزی را افزایش دهد و شوراها را دهقانی را به رسمیت بشناسد، با ایجاد کارگاههای تولیدی در پادگان‌ها نیروی ارتش مردمی را به کار تولید بگیرد و... تاریخ مبارزات خلقهای سراسر جهان نشان میدهد که اگر کمونیست‌ها حل مشکلات توده‌ها را نه در به قدرت رساندن خود آنان بلکه در استدعا و خواهش از بورژوازی طلب کنند، هیچ راهی جز افتادن به دام بورژوازی و پشت کردن به منافع توده‌ها و مبارزه طبقه‌ای ندارند و این راهی است که کمیته مرکزی "س.ج." در پیش گرفته است! ●

ویرانه های آن کسانسی نشستند که هیچ فرصتی را برای بازسازی بساط سرکوبگرانه پیشین از دست نداده اند و در این رابطه با مقاومت توده ها روبرو گشته اند. خلق هـ و زحمتکشان ایران در ادامه انقلاب نا تمام خویش همزمان با مبارزه علیه هیئت حاکمه ضد خلقی فعلی پس مانده های رژیم پیشین را نیز به سادگی نابود خواهند کرد.

■ نزدیک به ۲ هفته بجش تعدادی از پیشمرگان دمورات به شهر مقاومت می آیند و به یکی از مقرهای سپاه پاسداران حمله میکنند، در بازگشت با ۴ جاش برخورد کرده و درگیر میشوند، در درگیری یکی از پیشمرگه ها زخمی میشود و از بقیه میخواهد که آنها بروند. وقتی جاشا جلومی آیند پیشمرگه قهرمان ضامن یک نارنجک خود را میکشد که خودش به شهادت رسیده و چند تن از جاشا نیز گشته و زخمی میشوند. یکی از این جاشا ی زخمی شخصی به نام عبدالله جماران بود که به تهران آورده میشود و در تهران به علت شدت جراحات کشته شد. جماران از کثیف ترین و مزدورترین جاشای سنندج بود و دولت به مناسبت مرگ ننگین او در سنندج مراسم سوگواری برپا کرده و از او و برادرش که او هم جاش بود به عنوان شهدا نام برده است !!

■ چند روز پیش یک پاسدار که جرات کرده بود به داخل کوچه ها و محلات شهر برود در محله آغازیان به دست مردم کشته میشود. بلافاصله بعد از آن حدود ۳۰۰ - ۲۰۰ پاسدار در دورتا دور محل را گرفته و به خیال خودشان میخواستند پیکاری کنند اما، مانند همیشه چیزی بدست نمی آورند.

■ چند وقت پیش دسته ای از پیشمرگان کومه له به یک روستا میروند. ملای آبادی برای خوش خدمتی و نشان دادن مزدوری خود با رژیم پیش پاسداران میروند تا آنها را در جریان بگذارد. بچه ای از اهالی روستا با خبر شده و پیشمرگان را با خبر میکند. پیشمرگه ها در ده آباد میروند و بعد از مدتی تعداد زیادی پاسدار و جاش به همراه ملای ده به آبادی بر میگردند و در کمین پیشمرگان میافتند و تعداد بسیاری از آنها کشته میشوند. پاسدارها ملای آبادی را هم بخیال اینکه خواسته سر آنها کلاه بگذارد، میکشد. ■ شهر سقز نیز در اشغال ارتش ضد خلقی و پاسداران است. شب ۱۰ تیر پیشمرگان کومه له وارد شهر شده و در کمین یک اتوموبیل گشتی ارتش و پاسدارمینشینند. این اتوموبیل به کمین پیشمرگان افتاده و در این جریان سرنشینان اتوموبیل گشتی همگی کشته و یا زخمی میگردند. پس از آن پیشمرگان مدتی در شهر میمانند و برای عده ای از مردم که در نزدیکی محل حادثه جمع شده بودند صحبت کرده و توضیح دادند (نقل از خبرنامه کومه له).

■ "مردم قهرمان کردستان درپارهای از روستاهای بانه برای دفاع از خود در برابر حملات وحشیانه هلیکوپترها اقدام به درست کردن پناهگاه هوایی و تونل زیر زمینی نموده اند، بدین ترتیب در مقابل شیوه های نوین سرکوب توده ها نیز به تدریج شیوه های نوین مقاومت را یاد میگیرند." (نقل از خبرنامه کومه له ۶۰۰)

■ یکی از شیوه های جدید سرکوب خلق کرد و انقلابیون قهرمان کردستان توسط رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی، بمب گذاری در محلات

و ترور پیشمرگان قهرمان است. بعد از چندین بمب که جاش ها و مزدوران رژیم در جلو دکه پیکار، مقر کومه له و در شهرها باادگذاشتند اینک دست این جنایتکاران به خون پاک پیشمرگه قهرمان صلاح الدین شمس برهانی، یکی از مسئولین تشکیلات زحمتکشان آغشته شد و کاک صلاح الدین شب ۱۲ تیر به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

■ یکی از جاشهای مشهور کردستان که در "زمان رژیم شاه مزدور نیز از عوامل سرسپرده ساواک و ژاندارمری بود" به نام اسماعیل محمدی بدست پیشمرگان قهرمان کومه له کشته شد. اسماعیل محمدی در روزهای آخر عمرش یکی از کسانی بود که از ورود ما به ییحتاج به روستاها از شهر جلوگیری میکرد (نقل از خبرنامه کومه له)

■ تا روز ۱۸ تیر سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) ۱۷ تن از سربازان را که در جنگهای اخیر کردستان به اسارت کومه له درآمد بودند آزاد کرد. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در توضیح این عمل در خبرنامه ۶۱ نوشته است: "ما بدون کوچکترین چشمداشتی از هیئت حاکمه ضد خلقی و بنا به وظیفه انقلابی و برای آگاهی بخشی به زحمتکشان میهنمان و افشای تهمت و دروغ پردازیهای هیئت حاکمه اقدام به این عمل نموده و به خوبی میدانیم بیشتر این سربازان فرزندان زحمتکشان بوده و نا آگاهانه و یا در اثر سیاست ضد خلقی ارتش سرکوبگر به زور روانه سرکوب در کردستان گردیده اند. چنانکه ما در میدانهای جنگ جنازه سربازانی را که در اثر عدم اجرای دستور فرماندهان و یا حین ملحق

شدن به پیشمرگان از طرف فرماندهان مزدور از پشت تیر خورده اند، دیده ایم و عمیقاً درک میکنیم که اکثر سربازان علیرغم میل خود قربانی این جنگ افروزی هیئت حاکمه و ارتش ضد خلقی شده اند. پیشمرگان ما زحمتکشانی هستند که اکثرآنها مقرر رات کشیف و غیر انسانی ارتش سرکوبگر در سربازی آشنا شده اند و در این موارد با زحمتکشان ایران احساس هم دردی نموده و ضمن تسلیم به خانواده این سربازان مسئول مستقیم خون این جوانان ناگاه و بی گناه راهیست حاکمه و سیاستهای ضد خلقی و جنگ افروزانهاش در کردستان میدانیم"

ما زنده ایم!

به اسارت میبرند

شکنجه میدهند

و میکشند

* * *

اعدامهای بیشمار را انقلابیون کشتارهای بسیار در تمامی شهرهای ایران و مبارزان کردستان قهرمان هیچکدام،

هیچکدام

اراده ما

کمونستها

را نخواهد شکست

و هیچکدام

مبارزه را

متوقف نخواهد کرد

به قول عمو "هو":

(ما نمی میریم)

ما هر ساله

در ساقه های پربار زبرنج

دوباره خواهیم روئید

و هر دانه مان به خوشه ای بدل

خواهد شد)

ما نمی میریم

چرا که خلق زنده

است

چرا که زندگی نمردنی است

و جهان رو به پیش دارد

ما نمی میریم

کمیته مرکزی سازمان چریکها:

آموزش توده‌ها برای مقابله با گرانی

یار هنمود به حکومت؟! —

هیچ چیز جز یک مصاحبه با کارگران و زحمتکشان روبرو نمیشود نه توضیحی و نه تحلیلی، مصاحبه‌ای که رادیو و تلویزیون روزنامه‌های رژیم جمهوری اسلامی نیز بارها از آن یاد کرده‌اند. اما روزنامه کمیته مرکزی قول میدهد که در شماره آینده برای آنکه "مانع از آن شود که دشمنان مردم از آن به سودا مپریا لیس آمریکا و علیه زحمتکشان بهره‌گیری کنند" به تحلیل "علل" آن بپردازد. در شماره ۵۵ بعد از آنکه توضیح کلی داده و افزایش قیمت چند رقمی کالا و در عوض افزایش کمتر دستمزد کارگران را ذکر می‌کند به تحلیل می‌نشیند. تحلیلی که رسالتی جز به سازش گذاشتن مبارزه طبقاتی و دور کردن رژیم از تیر رس توده‌ها - کارگران و زحمتکشان - و ارائه راه حل به رژیم ندارد.

کمیته مرکزی "س.ج. بدین آنکه علت گرانی را ذکر کند و بحران اقتصادی نظام سرمایه داری و حاکمیت میان نظام را به توده‌ها معرفی کند و نشان دهد که این رژیم جمهوری اسلامی است که با کوتاه کردن دست توده‌ها از قدرت و با حمایت آشکار از سرمایه داران به گران نی و فقر توده‌ها دامن می‌زند و هیچ چشم اندازی هم برای حل این مشکل ندارد تنها می‌نویسد:

بقیه در صفحه ۱۲

مشکلی را که حل آن از دست رژیم بر نمی آید، به توده‌ها ارائه دهد و نشان دهد که تنها و تنها با برنام‌ها و در زمان حاکمیت خود مردم مشکلات اساسی توده‌ها حل خواهد شد و در ضمن علت واقعی وجود این دشواری‌ها و حافظه چنین فشارهایی بر مردم را نیز روشن کنند و مردم را به مبارزه علیه این دشواری‌ها و حاکمیت آن فراخوانند.

گرانی هم یکی از این مسائل است که گروه‌ها و جریان‌های سازشکار و ضد انقلابی و کمونیست هر یک به فراخور موضع خود در قبال حکومت سعی کرده‌اند آنرا توضیح دهند. حزب خائن توده در ۱۵ شماره روزنامه خود مشکل گرانی را بررسی کرده است و با توجه به موضع خائنان‌ها در مقابل حکومت تنها به مصاحبه با مردم بررسی قیمت‌ها و اینکه چه قیمت‌هایی گران است اکتفا کرده و در آخرین شماره برای ارزشیابی این قیمت‌ها راه حل ارائه داده است!

برخورد سازشکاران و غیر انقلابی کمیته مرکزی س.ج. به مساله گرانی هم به خوبی راست روی و سازشکاری روزافزون کمیته مرکزی را در مبارزه طبقاتی نشان می‌دهد. کمیته مرکزی سازمان چریکها در طی دو مقاله در "کار"

۶۴ و ۶۵ مساله گرانی را بررسی می‌کند، در شماره ۶۴ خواننده با

مساله گرانی و تورم و افزایش قیمت روز به روز تمام می مواد غذایی، مصرفی، ساختمانی و... بسیار حاد شده و هر چه بیشتر مردم را تحت فشار قرار می‌دهد و یکی از محورهای مبارزه مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی و روگردانی توده‌ها از حکومت شده است. مبارزات زنان خیابان گرگان، مردم کرمانشا و تبریز و دهها نمونه دیگر همه و همه نشانه‌هایی از دامنه و وسعت فشار و ظلمی است که بر اثر این گرانی به مردم وارد می‌شود.

این مساله تقریباً مورد بررسی تمام نیروهای سیاسی قرار گرفته است، از حزب ضد انقلابی توده گرفته تا سازمانهای کمونیستی در مورد این مشکل زحمتکشان اظهار نظر کرده و مواضع خود را توضیح داده‌اند. مواضع سازشکارانه سعی در آشتی دادن منافع توده‌ها و هیات حاکمه در حل این مشکلات داشته و چنان‌وا نمود کرده‌اند که گویی هیات حاکمه اشتباه می‌کند، سیاست غلط در پیش می‌گیرد و میتوانند با این یا آن کار جلوی مشکلات مردم را بگیرند. آنها به رژیم راه حل ارائه می‌دهند و سعی می‌کنند حکومت جمهوری اسلامی را نصیحت کنند و به توده‌ها نیز صبر و حوصله می‌آموزند. در حالیکه مواضع انقلابی سعی می‌کنند راه حل واقعی



اخبار کردستان قهرمان

کومه له و

رادیوهای امپریالیستی

در خبرنامه ۶ کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، مواضع خود را نسبت به دوفرستنده رادیو بی امپریالیستی اعلام و آنها را تحریم کرده است. در این بخش از خبرنامه دربارۀ بخشبختیاران مزدور و آژانس است: "خلقه و زحمتکشان ایران در شرایطی که این اجساد گندیده فعلی در اوج قدرت خود بودند با مبارزات قهرمانانه و بی‌امان خود که منجر به قیام تاریخی بهمن گردید بساط ننگین آنها را درهم کوبیدند و مامتا سفاکانه بر

بقیه در صفحه ۱۳

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!